

**پوتین در لباس رزم**
رونمایی روسیه از موشک کروز هسته‌ای**۳ قدرت‌نمایی در آسیا**
سفر ترامپ به شرق دور**۴ شاعر مبارز**
به یاد طاهره صفارزاده

جدال بر سر روسیه

روز گذشته محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس علیه حسن روحانی، رئیس جمهور پیشین سخن گفت و سخنان او در نقد روسیه را لطمه‌زننده به روابط ایران و روسیه خواند همزمان برخی از نمایندگان مجلس خواستار محاکمه و زندانی شدن روحانی شدند سازندگی به نقد این موضوع پرداخته است



عاطفه شمس

گروه سیاسی



روز گذشته، صحن علنی مجلس شاهد نطق جنجالی قالیباف بود؛ رئیس مجلس با لحنی تند خطاب به دو شخصیت سابق عرصه سیاست ایران، حسن روحانی، رئیس جمهور اسبق و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه او، مواضع آنها درباره روسیه را به مثابه «لطمه به مسیر همکاری راهبردی ایران با روسیه» تفسیر کرد. واکنشی که در شرایطی که ایران می‌کوشد، جایگاه خود را در جبهه شرق-به‌ویژه با روسیه و چین- بازتعریف کند، فراتر از یک انتقاد سیاسی معمول به نظر آمد و با ادامه سخنان تند برخی از نمایندگان علیه روحانی و ظریف سبب شد، صحن علنی برای لحظاتی متشنج شود تا جایی که برخی از نمایندگان تندرو شعار «مرگ بر روحانی» سر دادند!

قالیباف روز گذشته در نطق پیش از دستور خود با اشاره به نامه سه‌جانبه ایران، چین و روسیه به دبیرکل سازمان ملل متحد درباره لغو اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ این اقدام را «نماد همبستگی استراتژیک» خواند و گفت: «در همین راستا لازم می‌دانم، انتقاد صریح خود را نسبت به مواضع رئیس‌جمهور و وزیر خارجه اسبق‌مان اعلام کنم که دقیقاً در شرایطی که مسیر همکاری‌های راهبردی ما با کشور روسیه در حال پیشرفت است با مواضع خود به این مسیر لطمه زدند».

قصه از کجا شروع شد؟

روحانی در جلسه‌ای به رأی مثبت روسیه و چین به قطعنامه‌های پیشین علیه ایران در دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۰ اشاره کرده بود و پرسیده بود، چگونه طرفی که در گذشته علیه ایران رأی داده است امروز شریک راهبردی ماست؟

ظریف نیز اخیراً ادعا کرده بود که وزیر خارجه روسیه، سرگئی لاوروف، در جریان مذاکرات برجام عمداً نقش مانع را ایفا کرده است؛ او گفته بود: «روس‌ها، عریان سیاست خود را بیان می‌کنند. روسیه کشور مهمی در همسایگی ماست اما دو خط قرمز دارد اول اینکه ایران نباید هیچ‌وقت با دنیا روابط آرام داشته باشد و دوم اینکه نباید با دنیا به درگیری برسد، برای همین روسیه طرفدار توافق موقت ژنو بود چون استخوان لای زخم نگه می‌داشت و مانع درگیری هم می‌شد».

ادامه در صفحه ۲

رودخانه خواری دولتی

انتقاد محمد درویش از مصوبه دولت و عملکرد وزارت میراث فرهنگی



کوچه

یادداشت روز

مرگ چهار دانش‌آموز در یک ماه

آموزش و پرورش کجای راه را اشتباه رفته است؟



الهام فخاری

روانشناس

خبر مرگ چهار دانش‌آموز در محیط مدرسه از ابتدای مهرماه، جامعه را بهت‌زده کرده است. چگونه ممکن است مدرسه- که باید جای امن رشد و پرورش کودکان باشد- به صحنه‌ای از ترس و اندوه بدل شود؟ هر صبح میلیون‌ها پدر و مادر، فرزندان‌شان را راهی مدرسه می‌کنند با این امید که سالم و شاداب بازگردند. اما این پاییز برای چهار خانواده، زنگ مدرسه به جای نوید روزی تازه، آغاز تراژدی باورنکردنی بود.

در همین یک ماه، چهار دانش‌آموز در فضای مدرسه جان باخته‌اند: نوجوان ۱۴ ساله‌ای در زنجان که پس از تنبیه بدنی دچار ایست قلبی شد؛ دانش‌آموزی در خراسان که سر کلاس ناگهان بیهوش شد و جان داد؛ خودکشی دردناک «سام» ۱۲ ساله در شیراز پس از تحقیر و تهدید معاون مدرسه؛ و فوت ناگهانی یک کودک ۹ ساله در ایلام هنگام زنگ تفریح. چهار میز خالی اکنون در کلاس‌های درس بر جای مانده است.

از دید روان‌شناسی، احساس امنیت بنیادی‌ترین نیازی است که باید در خانه و مدرسه برای کودکان تأمین شود. دانش‌آموز پیش از آنکه درس بیاموزد و رشد کند باید اطمینان داشته باشد که جان و کرامتش محترم است. همه نظریه‌های تربیتی و روان‌شناختی بر اهمیت امنیت جسمی و روانی در رشد سالم تأکید دارند. اگر این امنیت نباشد، جای خود را به اضطراب و ترس می‌دهد و تحقیر و ترس از تنبیه زمینه‌ساز افسردگی، انزوا یا حتی افکار خودکشی در کودکان می‌شود. برخلاف تصور رایج، کودکان کاملاً متوجه احترام و بی‌احترامی هستند و کوچک‌ترین تحقیر، اثری عمیق بر روح و روان‌شان برجا می‌گذارد.

در فاجعه شیراز اگر مسئولان مدرسه، ذره‌ای همدلی داشتند و به التماس‌های دانش‌آموز هراسان گوش می‌سپردند شاید این فاجعه هرگز رخ نمی‌داد. آیا لازم بود به خاطر یک شیطنت، او را نزد خانواده شرمسار کنند و چنان تحت فشار قرار دهند که مرگ را بر زندگی ترجیح دهد؟ کرامت انسانی دانش‌آموز نباید خدشه‌دار شود. چگونه در مدرسه و خانه فضایی ساختند که یک پسر ۱۲ ساله چاره‌ای جز پایان دادن به زندگی‌اش نداشت؟

این حوادث ناگوار، زنگ خطر بزرگی برای نظام آموزشی ماست. اگر خانواده‌ای در ایفای نقش خود ناتوان بوده، مدرسه باید با محبت و آگاهی این کاستی را جبران کند، نه آنکه با تنبیه بر زخم کودک نمک پاشد. نقش مشاور مدرسه در چنین شرایطی کلیدی است؛ میان دانش‌آموز، خانواده و کادر آموزشی واسطه می‌شود تا کار به فاجعه نکشد. به‌نظر می‌رسد، مدارس ما سال‌هاست از رسالت تربیتی خود فاصله گرفته‌اند و آموزش صرف، جای پرورش انسان‌مدارانه را گرفته است.

اکنون چهار خانواده در سوگ فرزندان‌ی نشسته‌اند که هرگز از مدرسه به خانه بازنگشتند. از خود باید پرسیم چند فاجعه دیگر باید رخ دهد تا باور کنیم تنبیه، تحقیر و ترس در محیط آموزشی جایی ندارد؟ مدرسه باید خانه دوم و پناهگاه امن کودکان باشد تا اگر کودکی خطا کرد به جای ترس از تنبیه، فرصت جبران داشته باشد. کودک امروز، شهروند فرداست؛ اگر امروز طعم امنیت و احترام را در کلاس درس نچشد، فردا چگونه می‌تواند، انسانی سالم و مسئول در جامعه باشد؟ مرگ دلخراش این چهار دانش‌آموز باید وجدان جامعه را بیدار کند تا دیگر شاهد تکرار چنین پاییز سیاهی در مدارس نباشیم. یادشان گرامی باد.

احزاب

دولت بی اقتدار

نشانه‌های آشکار از ناهماهنگی و ضعف تصمیم‌گیری

گروه سیاسی: رئیس جبهه اصلاحات ایران در گفت‌وگویی با پایگاه خبری جماران با انتقاد از وضعیت فعلی دولت، از «تضعیف شدید اقتدار دولت» سخن گفته و تأکید کرده است که «(بسیاری از تصمیمات دولت یا نیمه‌کاره می‌مانند یا در مسیر اجرا دچار تعارض می‌شوند». او ضعف انسجام، ناهماهنگی میان دستگاه‌ها و بی‌نظمی مدیریتی را از مهم‌ترین نشانه‌های این وضعیت دانسته است. آذر منصوری در توضیح سخنان اخیر سیدمحمد خاتمی درباره ضرورت حفظ اقتدار دولت گفت که اقتدار واقعی نه در قدرت اداری بلکه در توان پاسخگویی به مردم و اجرای وعده‌هاست. به گفته او، «آقای خاتمی به درستی یادآور شدند که دولت منتخب مردم باید بتواند برنامه‌های خود را اجرا و مشکلات جامعه را حل کند اما امروز اقتدار دولت به شدت تضعیف شده است». او دلیل این تضعیف را در دو سطح دانست: نخست، مداخلات نهادهای موازی در انتصابات و تصمیمات اجرایی؛ دوم، ناهماهنگی درون دولت و ضعف نظم در ساختار تصمیم‌گیری. منصوری گفت: «این بی‌نظمی در تضاد میان نهادهای زیرمجموعه، در تصمیمات متناقض و نبود سازوکار روشن برای پیگیری سیاست‌ها به‌خوبی دیده می‌شود. نتیجه آن نیز فرسایش اعتماد عمومی است».

رئیس جبهه اصلاحات با اشاره به عرصه سیاست خارجی این حوزه را بارزترین صحنه تضعیف اقتدار دولت دانست. او گفت: «دولت باید برای حفظ جایگاه کشور در جهان راهبردی روشن برای تعامل اتخاذ کند. ادامه مسیر گذشته که بر ستیز و تقابل استوار است، نتیجه‌ای جز انزوا و فشار اقتصادی بیشتر ندارد». او تأکید کرد رفع تحریم‌ها و بازگشت به مسیر گفت‌وگو و همکاری بین‌المللی ضرورتی است که هیچ دولتی نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند. با این حال، «مواضع کنونی وزیر امور خارجه در موارد متعددی با نگاه و اظهارات رئیس‌جمهور در تعارض آشکار است؛ گویی هر کدام راه خود را می‌روند. این ناهماهنگی نشان می‌دهد که دولت تسلط واقعی بر وزارت امور خارجه ندارد و در سیاست خارجی نیز از انسجام لازم برخوردار نیست».

منصوری در بخش دیگری از گفت‌وگو، وعده رئیس‌جمهور درباره شایسته‌سالاری را یادآور شد و گفت: «رئیس‌جمهور بر استفاده از نخبگان تأکید کرده بود اما در عمل در بسیاری از انتصابات کلان این اصل رعایت نشده است. حضور نیروهای غیرتخصصی در مسئولیت‌های کلیدی باعث شده، کیفیت تصمیم‌گیری و کارآمدی دولت کاهش یابد». او افزود که دولت در زمینه مبارزه با فساد نیز کارنامه قابل دفاعی ندارد: «با وجود تأکید رئیس‌جمهور بر شفافیت و پاکدستی، اقدام مؤثر و فراگیری در این زمینه دیده نمی‌شود. این تناقض میان گفتار و کردار، اقتدار اخلاقی دولت را نیز تضعیف می‌کند».

منصوری نمونه‌ای روشن از ضعف اقتدار دولت را در ناتوانی‌اش برای رفع فیلترینگ دانست. او گفت: «درحالی‌که اکثریت جامعه و حتی بخشی از نهادهای تصمیم‌گیر بر ضرورت بازنگری در سیاست محدودسازی فضای مجازی تأکید دارند، دولت هنوز نتوانسته تصمیمی مستقل و مؤثر اتخاذ کند». به گفته او، این مساله نشان می‌دهد که دولت حتی در حوزه‌هایی که بر عهده خود اوست، توان تصمیم‌گیری قاطع ندارد. او در عین حال به تجربه اخیر دولت در تعلیق اجرای سخت‌گیرانه قانون حجاب اشاره کرد و گفت: «همان‌طور که تصمیم رئیس‌جمهور در آن موضوع نشان داد، در صورت وجود اراده مشترک، می‌توان میان خواست جامعه و ضرورت‌های اقتدار تعادلی برقرار کرد». رئیس جبهه اصلاحات در پایان هشدار داد که «تضعیف اقتدار دولت به معنای تضعیف اعتماد مردم به اصلاح از مسیر انتخابات و صندوق رأی است». به گفته منصوری، جامعه زمانی به مشارکت سیاسی امید می‌بندد که دولت منتخب، توان تصمیم‌گیری مستقل و کارآمدی در اجرای برنامه‌ها داشته باشد. او نتیجه گرفت: «نیاز امروز ایران، دولتی مقتدر، هماهنگ و مسئول است؛ دولتی که بتواند با تمام توان از حقوق مردم دفاع کند و جایگاه کشور را در صحنه بین‌الملل بهبود بخشد».



ادامه تیتیریک

جدال بر سر روسیه

دفاع مجلس از روسیه

نطق قالیلیاف و تاختن او به روحانی و ظریف در صحن علنی مجلس باعث شد که فضای گفت‌وگو به سمت تند شدن برود و در ادامه، حملات نمایندگان به این دو مقام سابق که در جلسات مجلس، فضای مجازی و رسانه‌های تندرو به بهانه‌های مختلف سابقه داشت، وارد فاز انتقادی شدیدتری شود. آنچه در ادامه نطق قالیلیاف سبب شد نمایندگان تندرو پا را از حد انتقاد فراتر گذاشته و مثل همیشه شعار «مرگ و نیستی» سر بدهند نطق‌های برخی نمایندگان پایداریچی بود که مواضع آنها پیش از این نیز جنجال‌هایی را موجب شده بود. امیرحسین ثابتی، نماینده تهران، روحانی را «رکورددار منفورترین سیاستمداران ایران» خواند و گفت «جایگاه اصلی روحانی پشت میله‌های زندان است». او همچنین پرسید: «اگر مردم برایتان مهم بودند، برای اسنپ‌ک از مردم نظرسنجی می‌کردید». حمید رسایی نیز در تذکری شفاهی با زبان صریح گفت: «نتیجه ۸ سال کرنش و التماس در برابر آمریکا، تحریم‌های بیشتر و تهدیدهایی بود که امروز جامعه متحمل شده است». او از روحانی خواست پاسخ دهد که چرا «۸ سال کرنش» کردند؟ و تهدید کرد که پرونده «سرقت علمی» روحانی نیز باید باز شود.

پس از پایان نطق محمد معتمدی‌زاده، نماینده مردم بردسیر و سیرجان که او هم اظهاراتی را علیه روحانی طرح کرد؛ به یکباره چند تن از نمایندگان در صحن علنی مجلس شورای اسلامی علیه روحانی شعار دادند و برای لحظاتی با بلند شدن صدای «مرگ بر فریدون (روحانی)» فضای صحن علنی مجلس متشنج شد. نکته اینکه در کنار نطق رئیس مجلس و تاخت و تاز برخی از نمایندگان، بیرون از صحن نیز فرآیندهایی علیه روحانی و ظریف در جریان است. مهری طالبی‌دارستانی از حامیان سعید جلیلی و رئیس سابق اداره زنان ستاد امر به معروف و نیز مبتکر کلینیک بی‌حجابی در فضای مجازی (نرم‌افزار ایتا) اقدام به جمع‌آوری امضا برای شکایت از روحانی و ظریف کرده است.

واکنش‌ها

در پی اتفاقات صحن علنی مجلس، حسام‌الدین آشنا، مشاور فرهنگی دولت روحانی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آقای قالیلیاف! خوب نیست هر نوشته‌ای که به دست‌تان می‌دهند را با صدای بلند بخوانید. تا آنجا که می‌دانم، آقای روحانی اخیرا درباره روسیه بیانی نداشته‌اند. جمع بستن چین و روسیه در مواضع و تحلیل‌های مسئولان نظام، شایسته نیست». در واکنش به این توییت، مشاور قالیلیاف نیز ویدئویی از سخنان روحانی منتشر کرد و نوشت: «آقای آشنا خوب نیست هر چیزی که به ذهنتان می‌رسد، توییت کنید. سخنان روحانی در ۲۰ مهر را ببینید. ظاهرا شما هم مثل مردم، چندان سخنان رئیس‌تان را دنبال نمی‌کنید».

دیپلماسی

آمادگی؛ کلید بازدارندگی

عراقچی: بمب اتم ما، توانایی نه گفتن به قدرت‌هاست

گروه سیاسی: سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه اخیرا در یک گفت‌وگوی اینترنتی درباره احتمال تکرار جنگ، برنامه هسته‌ای و مناسبات با آمریکا با تأکید بر ضرورت «آمادگی» گفت: «اگر برای جنگ آماده نباشید، جنگ رخ می‌دهد؛ اگر آماده جنگیدن باشید، کسی جرات حمله ندارد». به باور او حفظ آمادگی نه مقدمه جنگ که مهم‌ترین عامل جلوگیری از آن است و تجربه‌های گذشته- از جمله اشاره به جنگی که ۱۲ روز طول کشید- نشان می‌دهد امروز هم آمادگی نیروهای مسلح، مردم، دولت و جامعه بیش از آن زمان است.

در همین گفت‌وگو، او برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را «کاملا صلح‌آمیز» و مبتنی بر «حق قانونی» ایران دانست و تأکید کرد که دکترین امنیتی کشور شامل سلاح هسته‌ای نیست. با این حال بار دیگر به نقش بازدارندگی در منطق قدرت اشاره کرد و گفت: «بمب اتم ما توانایی نه گفتن به قدرت‌هاست». او این عبارت را نه به‌عنوان اعلام قصد تولید سلاح بلکه به عنوان توصیف قدرتی خواند که امکان تصمیم‌گیری مستقل و جلوگیری از دیکته‌پذیری را فراهم می‌آورد.

احمد زیدآبادی نیز در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «کاش آقای قالیلیاف توضیح می‌داد که چگونه دو مقام «اسبق» که در حال حاضر هیچ سمت رسمی ندارند صرفا با اظهارنظر خود به «مسیر همکاری راهبردی با روسیه لطمه زدند»؟ ظاهرا مشکل دیگری وجود دارد چون در هیچ کجای عالم، اظهارنظر مقام‌های سابق و اسبق کمترین لطمه‌ای به همکاری دولت‌ها با دولت‌های دیگر وارد نمی‌کند!»

رفتار پرشتاب و تند روز گذشته مجلس، چند نکته مهم دربر دارد. اینکه رئیس مجلس از تریبون رسمی، خطاب به دو نفر که دیگر مسئول اجرایی نیستند، می‌گوید «با مواضع شما مسیر همکاری راهبردی با روسیه لطمه خورد»، فراتر از نقد دولت قبل است. این رفتار، بازتاب‌دهنده چرخش مهمی است و نشان می‌دهد که موضوع صرفا بررسی عملکرد گذشته نیست بلکه تعیین مسیر فعلی و آینده سیاست خارجی و نشان‌دهنده خط‌کشی‌های داخلی است. دیگر آنکه وقتی مجلس می‌گوید پیام سه‌جانبه ایران، چین و روسیه به سازمان ملل، نماد همبستگی استراتژیک «شرق» با ایران است و آنگاه به کسانی حمله می‌کند که نسبت به روسیه تردید داشتند، نشان می‌دهد که جناح غالب امروز در حوزه سیاست خارجی، طرفدار تقویت رابطه با روسیه است و هر صدایی که این مسیر را به چالش بکشد، هدف انتقاد قرار می‌گیرد. از این منظر می‌توان وضعیت را تا حدی نگران‌کننده تلقی کرد چون اینکه «همه چیز باید در راستای رابطه با روسیه باشد» تبدیل به هنجار شده و صدای بررسی انتقادی سیاست خارجی را در حداقل قرار داده است. نکته دیگر این است که اگر روحانی و ظریف صرفا نقدی را نسبت به روسیه یا سیاست «نگاه به شرق» بیان کرده باشند، آیا دلیل می‌شود که از سوی رئیس مجلس متهم شوند به «لطمه زدن به مسیر راهبردی»؟ در دموکراسی سالم، نقد سیاست خارجی بخشی از کارکرد حکومت است؛ اما وقتی



این نقد از نطق رسمی به اتهام تبدیل شود و قسمتی از آن به جمع‌آوری امضا برای شکایت و تهدید به زندان برسد، خطر آن بسته شدن فضای آزاد گفت‌وگوست. چنین تهدیدهایی هم به نفع نظام است، نه به نفع کشور؛ بلکه در راستای تبدیل شدن سیاست خارجی به یک ایدئولوژی انحصاری است.

اظهارنظرهای روحانی و ظریف درباره روسیه- هرچند قابل نقد- نمایانگر مسئولیت‌پذیری و تلاش برای شفاف‌سازی و نیز بخشی از گفت‌وگو با روسیه است. ایران هستند، نه خیانت یا خطای مطلق. بر همین اساس، رفتار روز گذشته مجلس بیش از آنکه نقد به سیاست خارجی باشد، عملیاتی سیاسی علیه منتقدان سیاست غالب بود. ایران در شرایط فعلی هم باید با شرق و هم با غرب رابطه داشته باشد؛ اما آنچه امروز دیده می‌شود، اولویت محض به شرق- به‌ویژه روسیه- است و صدای متفاوت عملا در موقعیت دفاعی یا متهم قرار می‌گیرد. در صورتی که منافع ملی ایجاب می‌کند سیاست خارجی کشور متوازن و مبتنی بر شفافیت، ارزیابی عملکرد، تخصیص مسئولیت و پرسش‌گری باشد نه اینکه منتقدان به بهای رابطه با یک کشور حذف یا منزوی شوند.

حمله مجلس به روحانی و ظریف اگرچه ممکن است از منظر جریان تندرو «ضروری» جلوه کرده باشد اما دارای سه آسیب جدی است. اول، سیاست خارجی از مسیری که باید بررسی شود به مسیر حمله جناحی تبدیل شده است. دوم، نقد و پرسش مشروع از سیاست‌های گذشته به اتهام «لطمه زدن به رابطه راهبردی با روسیه» تنزل یافته و سوم، صدای منتقدان سیاست غالب، نه با پاسخ که با تهدید و فشار روبه‌رو شده است. در حالی که امروز بیش از همیشه ضرورت دارد که به جای خط‌کشی‌های داخلی و تخریب اشخاص، نقد منصفانه و ارزیابی مستند و راهبردی از عملکردها انجام شود تا بتوان با نگاه به گذشته، آینده بهتری برای کشور رقم زد.



اعتماد به آمریکا وجود ندارد» اما در عین حال تأکید کرد که بدون اعتماد هم می‌توان با احتیاط تعامل کرد و تهران برای راه‌حل‌های خردمندانه و مذاکره برابر و مبتنی بر احترام متقابل آماده است. عراقچی در بخش دیگری از سخنانش به شیوه پیشنهادی آمریکا در مذاکرات اشاره و این روش را «دیکته» خواند؛ او گفت آمریکایی‌ها در نیویورک پیش‌شرط‌هایی می‌گذاشتند که به باور او برخلاف عرف دیپلماتیک است و ایران زیر بار چنین دیکته‌هایی نخواهد رفت. همچنین او نقش مواضع ایران در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را برجسته دانست و گفت دیپلماسی ایران، بازتاب خواسته‌های کشورهای است که خود جرأت بیان علنی این مطالب را ندارند؛ امری که به گفته او هم افتخارآمیز است و هم هزینه‌بر. در پایان، وزیر امور خارجه بر حفظ حقوق مردم ایران و آمادگی برای راه‌حل‌های عقلانی تأکید کرد و گفت: «ما از حقوق مردم ایران کوتاه نمی‌آیم و سلطه و زورگویی را تحمل نمی‌کنیم؛ اما برای هر راه‌حل خردمندانه آمادگی داریم».



سال هشتم شماره ۲۰۹۷
دوشنبه ۵ آبان ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

پوتین در لباس رزم

رونمایی روسیه از تازه‌ترین نسخه موشک کروز هسته‌ای

گروه بین‌الملل: ولادیمیر پوتین روز یک‌شنبه در تصویری که دفتر کرملین منتشر کرد با یونیفورم نظامی در یکی از پست‌های فرماندهی نیروی مشترک ظاهر شد و از نزدیک در جریان آزمایش تازه‌ترین نسخه موشک کروز هسته‌ای «بورووستنیک» قرار گرفت، صحنه‌ای که حکایت از پیامی حساب شده به غرب دارد. در این نشست، والرئ گراسیموف، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه به پوتین اطلاع داد که آخرین آزمایش این موشک در ۲۱ اکتبر انجام شد؛ موشک طبق اعلام رسمی حدود ۱۴ هزار کیلومتر را در هوا طی کرد و مدت نزدیک به ۱۵ ساعت پرواز داشت، رقیمی که روسیه آن را «حد نهایی توانایی» ندانست. ریاست ستاد کل تأکید کرد که این پرواز چندساعته و مانورهای عمودی و افقی انجام‌شده، نشان‌دهنده توانایی آن برای «غلبه بر سامانه‌های دفاعی» است.

پوتین خود بورووستنیک را «نمونه‌ای بی‌همتا در جهان» خواند و ادعا کرد که این سلاح می‌تواند از سد سامانه‌های دفاع موشکی عبور کند؛ گفته‌ای که در فضای رقابت سیاسی و نظامی کنونی، پیامی مستقیم به واشنگتن و متحدان اروپایی محسوب می‌شود. پوشش نظامی او که تا حدی نادر است نیز به سرعت در تفسیرها به‌عنوان ژستی نمادین تعبیر شد؛ واکنشی بالقوه به تهدیدهای مطرح شده از سوی کاخ سفید درباره تحویل

آسیا

قدرت‌نمایی در آسیا

ترامپ در سفر به شرق دور به دنبال چیست؟



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

سفر آسیایی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین تحرکات دیپلماتیک در دومین دوره ریاست‌جمهوری او به شمار می‌رود؛ سفری که نه‌تنها ابعاد اقتصادی و امنیتی بلکه پیامدهای ژئوپلیتیکی آن در گستره‌ایندو-پاسیفیک و حتی خاورمیانه قابل‌توجه است.

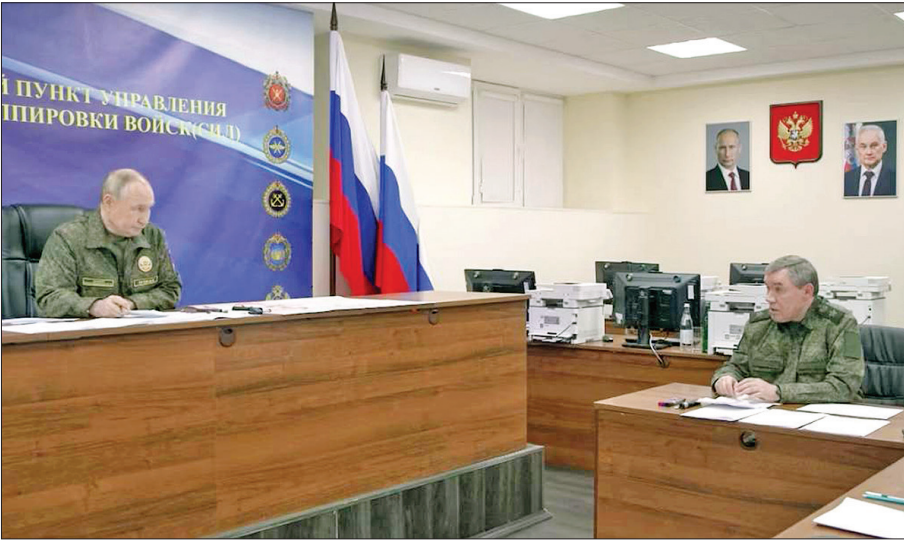
ترامپ پیش از آغاز سفر و در لحظات ترک واشنگتن با افزودن بر انتظارات اعلام کرد که مشتاق است با کیم

جونگ‌اون، رهبر کره شمالی، نیز دیدار کند.

او در هوایمباری ریاست‌جمهوری به خبرنگاران گفت امیدوار است با شی به «توافقی جامع» دست یابد؛ توافقی که به‌گفته او می‌تواند از اجرای تعرفه‌های سنگین ۱۰۰ درصدی از اول نوامبر جلوگیری کند. او با لحنی که نشان‌دهنده اعتمادبه‌نفس و فشار سیاسی بود، تأکید کرد: «آنها باید امتیاز بدهند؛ فکر می‌کنم ما هم امتیاز می‌دهیم. ما تعرفه ۱۵۷ درصدی برای آنها داریم و فکر نمی‌کنم این برای چین پایدار باشد». در همین حال مارکو رویو، وزیر خارجه آمریکا در اظهاراتی معنادار گفت که حتی در صورت توافق تجاری با چین، آمریکا به هیچ‌وجه تایوان را رها نخواهد کرد؛ جمله‌ای که پیام روشنی برای پکن

داشت. با این حال به گفته مقامات کاخ سفید، روز نخست مذاکرات تجاری با چین «سازنده» ارزیابی شده است.

اما سفر آسیایی ترامپ تنها بر محور رقابت اقتصادی با چین و مدیریت روابط با متحدان آمریکا محدود نشد. او در مسیر پرواز به مالزی، در داخل هوایمباری «ایرفورس وان»، با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر و شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست‌وزیر این کشور دیدار کرد. ترامپ در این دیدار از نقش دوحه در برقراری آتش‌بس میان اسرائیل و حماس، که پس از دو سال جنگ در غزه حاصل شد، تمجید کرد و آن را «کاری شگفت‌انگیز» خواند. او امیر قطر را «یکی از بزرگ‌ترین رهبران جهان» معرفی کرد و گفت: «اکنون خاورمیانه‌ای امن داریم و این امنیت برای مدت طولانی حفظ خواهد شد». ترامپ در ادامه مدعی شد که «قدرت هسته‌ای ایران را از بین برده‌اند» و این امر زمینه توافق آتش‌بس را فراهم کرده است، او همچنین ضرب‌الاجل ۴۸ ساعته‌ای برای



گسترده پهپادها، بمب‌ها و موشک‌ها علیه زیرساخت‌ها و جمعیت غیرنظامی سخن گفت که فشار بر جامعه بین‌المللی را افزایش می‌دهد. این شرایط، صحنه‌ای را خلق می‌کند که در آن هم نمایش تسلیحاتی مسکو و هم تهدید تعهدات نظامی واشنگتن می‌تواند، پیامدهای سریع و نامشخصی در میدان نبرد و دیپلماسی داشته باشد.

پرسش کلیدی اکنون این است: آیا اعلام این «آزمایش سرنوشت‌ساز» و نمایش نمادین پوتین در یونیفورم به کاهش تنش و وارد آوردن فشار به طرف مقابل منجر خواهد شد یا اینکه به تشدید مسابقه تسلیحات و موج تازه‌ای از تحریم‌ها و پاسخ‌های نظامی می‌انجامد؟ تا زمان بررسی‌های مستقل و ارزیابی دقیق تحریم‌ها، پیام‌های سیاسی و واکنش‌های میدانی، تردید و نگرانی همچنان محور بحث‌های بین‌المللی خواهد بود.

خاورمیانه

خروج پ.ک.ک از ترکیه

شمال عراق، مقصد نیروهای حزب کارگران کردستان

حزب کارگران کردستان از دیروز روند عقب‌نشینی تمامی عناصر خود از ترکیه به شمال عراق را آغاز کرده است. طبق این گزارش، این اقدام در راستای بازنگری در استقرار نیروها و کاهش تنش‌های نظامی با ارتش ترکیه انجام می‌شود. این حزب در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد: «ما گام نخست را برای خروج نیروهایمان از ترکیه آغاز کرده‌ایم تا از بروز درگیری‌ها جلوگیری کرده و دلایل وقوع حوادث ناخواسته را از میان برداریم». صبری اوک، عضو شورای اجرایی حزب کارگران کردستان در توضیح این تصمیم گفت، گروهی از نیروهای حزب از مناطق مرزی ترکیه به داخل اقلیم کردستان عراق به‌ویژه به کوه‌های قندیل که از دهه‌ها پیش پایگاه اصلی این حزب محسوب می‌شود، منتقل شده‌اند. او افزود روند خروج نیروها به‌صورت تدریجی ادامه خواهد داشت و این امر به میزان پایدانی آنکارا به مسیر صلح بستگی دارد. وی تأکید کرد که این تصمیم بر اساس مصوبات دوازدهمین کنگره حزب و با موافقت «عبدالله او شارکت در سیاست دموکراتیک، قوانین مرتبط با آزادی‌های لازم و ادغام دموکراتیک فورا به اجرا درآیند. «برهان‌الدین دوران»، مدیر ارتباطات ریاست جمهوری ترکیه گفت: مسیر «ترکیه عاری از تروریسم» به لطف رهبری شجاعانه و قاطع رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور و دولت باغچلی، رهبر حزب حرکت ملی (MHP) ادامه دارد. وی افزود: هدف ما تقویت صلح و امنیت در کشورمان و تضمین صلح و ثبات پایدار در منطقه است. برهان‌الدین دوران گفت که اعلام خروج سازمان تروریستی پ.ک.ک از ترکیه گامی جدید در مسیر «ترکیه عاری از تروریسم» و تحولی مثبت در جهت هدف این سازمان برای زمین گذاشتن سلاح‌هایش است. دوران اظهار کرد: تحولات منطقه ما و افزایش عدم قطعیت جهانی، مسئولیت‌های جدیدی را در دوره آینده بر دوش ترکیه قرار می‌دهد. وی ادامه داد که پیگیری بی‌وقفه سیاست‌های «ترکیه عاری از ترور» و «منطقه عاری از ترور» برای انجام این مسئولیت‌ها و حرکت به سمت اهداف «ترکیه قوی» ضروری است.



شکست بودن» بورووستنیک را افزایش می‌دهد. پیش از این، بحث ارسال تاماهاوک‌های بردلند از سوی ایالات متحده به اوکراین به‌عنوان اهرمی برای وادار کردن مسکو به مذاکره یا فشار نظامی و سیاسی مطرح شده بود، پیشنهادی که خود با تهدیداتی از سوی کرملین روبه‌رو شده و اکنون به بهانه‌ای برای نمایش قدرت روسیه بدل شده است. تحلیل‌گران می‌گویند این تبادل ادعاها و ژست‌ها بیش از آنکه تنها درباره یک سلاح خاص باشد، بخشی از بازی بزرگ‌تر بازدارندگی و پیام فرستادن در آستانه مذاکرات یا ملاقات‌های محتمل رهبران است.

در همین حال، اوضاع میدانی در اوکراین نیز همچنان ناآرام است. طی حملات شبانه اخیر به شهرها، مقامات اوکراینی از مجروح شدن ده‌ها نفر در پایتخت و تلفات در سراسر کشور خبر داده‌اند؛ ولودیمیر زلنسکی نیز در بیانیه‌ای از استفاده

را حذف کند و «دسترسی بی‌سابقه» برای صادرکنندگان آمریکایی فراهم آورد. با تایلد نیز چارچوب توافقی شکل گرفت که می‌تواند به حذف ۹۹ درصد تعرفه‌ها منجر شود. این توافقی‌ها به‌روشنی تصویریگر رویکرد «اول آمریکا» ترامپ است که در آن توافقی‌های دوجانبه جایگزین ساختارهای چندجانبه می‌شود.

مرحله مهم سفر دیدار با سران ژاپن و کره‌جنوبی و احتمال دیدار با ششی جین‌پینگ است. این نخستین دیدار احتمالی دو رئیس‌جمهور پس از بازگشت ترامپ به قدرت محسوب می‌شود؛ در زمانی که جنگ تجاری در اوج است و تعرفه‌ها در آوریل ۲۰۲۵ به ۱۴۵ درصد رسیده‌اند. چین نیز در واکنش محدودیت‌های صادرات عناصر نادر خاکی را افزایش داده است. تحلیل‌گران احتمال «آتش‌بس موقت تجاری» را رد نمی‌کنند اما روند کلی به‌وضوح به سمت «جدایی اقتصادی» و شکل‌گیری دو بلوک تجاری و فناوری مستقل پیش می‌رود. این وضعیت متحدان آمریکا در منطقه مانند ژاپن، کره‌جنوبی و استرالیا را نگران کرده است. آنها از یک‌سو در برابر قدرت‌گیری چین احساس تهدید می‌کنند و از سوی دیگر از سیاست‌های متغیر و معاملاتی واشنگتن ناراضی‌اند؛ از جمله تعرفه ۱۵ درصدی که آمریکا بر خودروهایی ژاپنی اعمال کرده است. همین نگرانی‌ها موجب شده این کشورها راهبرد «توج‌بخشی و خودانکایی»

را تقویت کنند و کمتر به چتر امنیتی واشنگتن اتکا داشته باشند. در کنار این، احتمال دیدار چهارم میان ترامپ و کیم جونگ‌اون نیز مطرح شد؛ اما با توجه به اظهارات اخیر کیم بنی بر اینکه «هرگز از سلاح هسته‌ای صرف‌نظر نخواهد کرد» چنین دیداری بدون مذاکرات مقدماتی می‌تواند تنها به مشروعیت‌بخشی وضعیت هسته‌ای پیونگ‌یانگ منجر شود. سفر آسیایی ترامپ می‌تواند با مجموعه‌ای از دستاوردهای دیپلماتیک، توافقی‌های اقتصادی و تلاش‌های میانجی‌گرانه همراه باشد و در برخی نقاط، بحران‌ها را به‌طور موقت آرام کند. با این حال، این سفر نیز نمی‌تواند مانع روند رو به رشد «تکه‌تکه شدن نظم اقتصادی و امنیتی جهانی» شود؛ روندی که ریشه در رقابت ساختاری میان آمریکا و چین و دشواری مدیریت اتحادها دارد. آنچه مشخص است اینکه سفر ترامپ نه پایان یک فرآیند بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از رقابت‌های ژئوپلیتیکی در آسیا و جهان است.

موشک‌های تاماهاوک به اوکراین. ادعا‌های مقام‌های کرملین درباره «برد نامحدود» و «شکست‌ناپذیری در برابر دفاع‌های موجود و آتی» با تردید کارشناسان خارجی همراه است؛ جزئیات فنی دقیقی از طراحی داخلی موشک یا نتایج مستقل آزمایش‌ها در دسترس نیست و پیشینه پروژه شامل شکست‌ها و حوادثی از جمله یک انفجار در سال ۲۰۱۹ نیز بوده است. با این حال مسکو می‌گوید، پروژه اکنون در «مرحله نهایی توسعه» است و به‌زودی به‌صورت عملیاتی در یگان‌های خط مقدم مستقر خواهد شد.

در حالی که مسکو از «بورووستنیک» به‌عنوان سلاحی بی‌همتا با برد نامحدود یاد می‌کند، کارشناسان هشدار می‌دهند که موشک‌های هسته‌ای با نیروی محرکه هسته‌ای می‌توانند بسیار دشوار برای کنترل باشند و خطرات محیط‌زیستی جدی ایجاد کنند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که هم ایالات متحده و هم اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد، پروژه‌هایی مشابه را دنبال کردند اما در نهایت آنها را کنار گذاشتند چراکه ریسک فنی و زیست‌محیطی آنها بیش از حد بالا بود. چنین سابقه‌ای، سوالات جدی درباره ایمنی، قابلیت اطمینان و پیامدهای بالقوه زیست‌محیطی آزمایش‌های اخیر روسیه مطرح می‌کند و تردیدها نسبت به واقعی بودن ادعا‌های «برد نامحدود» و «غیرقابل

حماس تعیین کرد تا اجساد زندانیان کشته‌شده را بازگرداند، در غیر این صورت به گفته او «کشورهای درگیر در توافق اقدام خواهند کرد». ترامپ همچنین در اولین دیدارهای خود در حاشیه نشست آسه‌آن با رئیس‌جمهور برزیل دیدار کرد و از احتمال شکل‌گیری «توافقاتی نسبتا خوب» میان دو کشور سخن گفت. یکی از برجسته‌ترین نتایج این سفر اما به جنوب‌شرقی آسیا مربوط می‌شود: امضای «توافق‌نامه صلح کوالالامپور» میان کامبوج و تایلند. درگیری‌های مرزی دو کشور از ژوئیه ۲۰۲۵ شدت گرفته بود؛ درگیری‌هایی که ریشه در اختلافات دوران استعمار و مالکیت معابد باستانی از جمله معبد «پریاه وپهار» داشت. این بحران موجب آوارگی صدها



هزار نفر و شکل‌گیری نبردهای پراکنده در منطقه مرزی شده بود. مهم‌ترین پندهای توافقی شامل توقف فوری درگیری‌ها، آزادی ۱۸ سرباز کامبوجی، خروج تدریجی توپخانه‌های سنگین و استقرار ناظران آسه‌آن است. طبق گزارش‌ها، نقش ترامپ در این توافق حیاتی بود و او با تهدید به تعلیق توافقی‌های تجاری، طرفین را به پذیرش آتش‌بس واداشت. انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالزی نیز نقشی کلیدی در میانجی‌گری ایفا کرد. هون مانه، نخست‌وزیر کامبوج در اقدامی نمادین ترامپ را برای دریافت «جایزه صلح نوبل» نامزد کرد.

در حوزو اقتصادی، سفر ترامپ نتایج قابل‌توجهی داشت. توافقی‌های مهمی با مالزی در زمینه انرژی، فناوری، هوش مصنوعی و مواد معدنی حیاتی به دست آمد. یکی از محورهای اصلی این توافقی‌ها، کاهش وابستگی جهانی به یک منبع انحصاری تأمین مواد حیاتی بود؛ اشاره‌ای آشکار به چین. کامبوج نیز پذیرفت تمام تعرفه‌ها بر کالاهای آمریکایی

یاد

شاعر مبارز

درباره **طاهره صفارزاده** به مناسبت سال گرد درگذشتش



صفارزاده، شاعر، پژوهش‌گر و قرآن‌پژوه فراتر از آثار و افتخارات ملی و بین‌المللی، شخصیتی خاص و متفاوت بود. او طی ۷۲ سال زندگی پربینلا، هرگز تسلیم رنج و مصائب روزگار نشد و امتحانات سخت زمانه، او را از پا درنیآورد. شاید در زمان حیات طاهره صفارزاده، شاگردان و علاقه‌مندانش تصور نمی‌کردند، زنی این‌چنین فعال و سخت‌کوش در آموختن علم و سرشار از احساس شاعرانگی و دانایی به جهان هستی، قلبی مالا مال از اندوه و قصه‌ای پرغصه دارد؛ قصه‌ای که آغازش، فقدان عزیزان و تهایی بود و پایشان نیز! او ۴ آبان ۱۳۸۷ بعد از ۷۲ سال زندگی درگذشت.

قصه پر غصه طاهره

طاهره صفارزاده ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد و در کودکی پدر و مادرش را با فاصله زمانی اندکی از دست داد. طاهره نخستین شعرش را در ۱۳ سالگی سرود و نخستین جایزه شعر را نیز در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد محمدابراهیم باستانی‌پاریزی که دبیر دبیرستان بهمنیار بود از رئیس آموزش و پرورش استان گرفت. در جوانی با یک پزشک ازدواج کرد. مدتی بعد آن‌ها صاحب پسری شدند اما کسی بعد از ازدواج به دلیل اعتیاد همسرش از او جدا شد و پسرش علیرضا را به تهایی بزرگ کرد. چند سال بعد صفارزاده که در استخدام شرکت نفت بود، برای گذراندن دورهٔ سه‌ماهه روزنامه‌نگاری بورسیه شد و به انگلستان رفت. او پس ۵ ساله‌اش را به خواهرش سپرده بود اما در همان دوره علیرضا به دلیل اشتباه پزشکی با تزریق آمپول از دنیا رفت. لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را در ایران گرفت و برای ادامه تحصیل به انگلستان سپس به آمریکا رفت. در دانشگاه آیوا، هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم درجه MFA را دریافت کرد. در بازگشت به ایران، به‌رغم مشکلاتی که به علت فعالیت‌های سیاسی‌اش در آمریکا برای استخدامش به‌وجود آمده بود، از آن‌جایی که در کارنامه‌اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه بود و نیز به دلیل نبود استاد ترجمه برای رشهٔ زبان خارجی، به تدریس نقد ترجمه ترجمه پرداخت. تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه» او به‌عنوان کتاب درسی، سرآغاز روال و نظم تدریس نقد ترجمه در رشته زبان و ادبیات خارجی در دانشگاه‌های کشور بود. خودش می‌گفت: «شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ‌وقت حکومت‌پسند نبوده است»؛ در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر «مقاومت دینی» از دانشگاه اخراج شد. در شروع نهضت اسلامی، به کمک نویسندگان متعدد مسلمان، به تأسیس مرکزی به‌نام «کانون فرهنگی نهضت اسلامی» اقدام کرد.

شعر در خدمت مبارزه

طاهره صفارزاده دربارهٔ نگاهش به شعر گفته بود: «به شعر به عنوان یک وسیلهٔ مبارزه توجه داشتم و از آن استفاده می‌کردم، البته نه به عنوان وسیله شهرت؛ بلکه در خدمت اهداف والای الهی. تلاش‌های مذبوحانه رژیم برای ایجاد جنگ روانی پایان‌ناپذیر بود. شعرهای نوجوانی و احساساتی و بی‌آزارم خیلی مورد محبت و تشویق رسانه‌های ارتباط جمعی بود. اما در شعرهای جدیدم، که در آن مسائل و وقایع زندگی امروز بی‌توسل و بدون پناهجویی از استعارات مبهم

با زبان و فرمی غیرسنتی بیان می‌شد، داوران با دیدگاه‌های خود به دفاع می‌پرداختند. دسته‌ای معتقدند، شعر ظرف حرف‌های ظریف و کلی و شاعرانه است با زبانی فاخر و بیانی ادبی و ابهام‌آمیز. دستهٔ دیگر هم اشارات را برخورنده و افشاگر تشخیص می‌دهند و بیم آن دارند که این‌جور حرف زدن‌ها و شعر گفتن‌ها باب شود. اما من متوجه زندگی شده بودم و حس می‌کردم که آن نوع زبان با استعارات مبهم گنجایش راحت حرف زدن و آوردن تجربه و فرهنگ زندگی امروز را ندارد و گاه که دلی به دریا می‌زدم و یکی دو خط واژه‌ها یا جمله‌های محاوره‌ای هم در کنار کلی‌بافی‌ها می‌آوردم، زود متوجه عدم یک‌دستی شعر می‌شدم و ادامه نمی‌دادم. این کشمکش درونی مرا شدیداً به فکر راه‌جویی انداخته بود. دلزدگی و کار مداوم، نوشتن، تردید کردن و دور ریختن. از شعر خودم، از محیط و فضای شعر امروز، از همه و همه چیز دلزده شده بودم تا این‌که بالاخره متوجه ساختار در شعرم شدم و کوشش این بود که با حفظ تسلسل حرکت درونی، شعر سپید را ازثرگونگی دور کنم و به انرژی و حرکت در شعر توجه ویژه کردم.»

در ستاد انقلاب فرهنگی

صفارزاده پس از پیروزی انقلاب به‌عنوان رئیس دانشگاه شهید بهشتی و نیز رئیس دانشکده ادبیات این دانشگاه انتخاب شد. او دربارهٔ این دوره از زندگی خود گفته بود: «چون ضمن مقالاتی به نحوهٔ آموزش زبان‌های خارجی در ایران انتقادهای خود را مطرح کردم از طرف ستاد انقلاب فرهنگی برای مسؤولیت برنامه‌ریزی زبان‌های خارجی از من دعوت شد که با همکاری استادان باتجربه، تغییراتی در برنامهٔ آموزشی پدید آوریم. طبق این برنامه، برای اولین بار در رشته‌های علمی دانشگاه‌ها، کتاب به زبان‌های انگلیسی، روسی، فرانسه و آلمانی تألیف شد. من ۱۶ سال سرپرست اجرایی طرح بودم.»

صفارزاده در سال ۶۱ با خواستگار ثروتمندش، دکتر وصال ازدواج کرد، مدتی در باغ ۱۰ هزار متری او در شیراز ساکن شد و بعد دوباره به تهران بازگشت. به گفتهٔ برادرش (جلال صفارزاده) این ازدواج بر سبک زندگی طاهره تأثیری نداشت و بعد از ازدواج نیز هم‌چنان ساده‌زیست باقی ماند. طاهره صفارزاده در سال ۱۳۶۷ در فستیوال بین‌المللی شعر «داکا» به‌عنوان یکی از پنج عضو بنیانگذار کمیتهٔ ترجمهٔ آسیا و در سال ۲۰۰۵ میلادی به‌عنوان برترین زن مسلمان از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی و آسیایی در مصر برگزیده شد. در زمان همکاری صفارزاده با فرهنگستان زبان و ادب فارسی، طرح تهیه فرهنگ‌های تخصصی‌اش که با ضوابط علمی و پیشنهادات جدید تدوین شده به تصویب شورای فرهنگستان رسید.

از طاهره صفارزاده، شاعر، نویسنده، محقق و مترجم قرآن به زبان انگلیسی، کتاب‌های متعددی در زمینه‌های ادبیات، علوم، علوم قرآنی و ویراستاری منتشر شده است. مجموعه‌های شعر «رهگذر مهتاب»، «طنین در دلنا»، «اسد و بازوان»، «سفر پنجم»، «حرکت و دیروز»، «بیعت با بیداری»، «مردان منحنی»، «دیدار صبح»، «در پیشواز صلح»، «هفت سفر»، «روشنگران راه» و «جلوه‌های جهانی» نیز از آثار این شاعر هستند.



طه حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

مری آن ایوانز (۲۲ نوامبر ۱۸۱۹ – ۲۲ دسامبر ۱۸۸۰) که نام مستعار مردانهٔ جورج الیوت را برای خود انتخاب کرد، یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان قرن نوزدهم انگلستان است و آثاری پدید آورد که در تاریخ رمان‌نویسی جایگاهی ماندگار یافته‌اند. بعد از جین آستین، هیچ نویسنده‌ای به اندازهٔ الیوت در آثارش صریحاً به بیان مشکلات اجتماعی و انتقادهای سیاسی نپرداخته است. او ۷ رمان و ۱۱ کتاب شعر از خود به جا گذاشته است. رضا رضایی که سال‌هاست به ترجمهٔ آثار ادبی به‌خصوص ادبیات کلاسیک مشغول است و آثار مهمی از شارلوت بروتنه، امیلی بروتنه، جین آستین و جورج الیوت ترجمه کرده، به تازگی نشر نی ترجمهٔ او از رمان «رومولا» را منتشر کرده است. این ترجمه با عنوان فرعی «حکایت یأس و امید»، بار دیگر نشان می‌دهد که چرا «رومولا» از برجسته‌ترین و تأمل‌برانگیزترین آثار قرن نوزدهم به‌شمار می‌رود؛ اثری که همچنان در میان دوستداران ادبیات جدی به‌عنوان نمادی از عمق اندیشه و والایی انسان‌گرایی جورج الیوت خوانده می‌شود.

جایگاه ویژه رومولا

جورج الیوت، رمان‌نویس، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگاری بود که آثارش همواره میان خرد و ایمان، علم و اخلاق و سنت و تجدد در نوسان هستند. او هفت رمان مهم نوشت: آدم بید (۱۸۵۹)، آسیاب کنار رود فلاس (۱۸۶۰)، سیایلاس مارنر (۱۸۶۱)، رومولا (۱۸۶۲-۱۸۶۳)، فلیکس هولت، رادیکال (۱۸۶۶)، میدل‌مارچ (۱۸۷۱-۱۸۷۲) و دنیل دروندا (۱۸۷۶). همچون چارلز دیکنز و تامس هاردی، او از نواحی روستایی انگلستان برخاست و بیشتر آثارش در همان فضاها می‌گذرد. آثار او به‌سبب واقع‌گرایی، ژرف‌نگری روان‌شناختی، حس مکان و تصویرپردازی دقیق از زندگی روستایی ستوده شده‌اند. «میدل‌مارچ»، شاهکار او به گفتهٔ ویرجینیا وولف «از معدود رمان‌های انگلیسی است که برای انسان‌های بالغ نوشته شده است» و نویسندگانی چون جولین بارنز، آن را «بزرگ‌ترین رمان زبان انگلیسی» دانسته‌اند. اما در میان این آثار، رمان «رومولا» جایگاهی ویژه دارد؛ اثری تاریخی، فلسفی

سینمای ایران

قاچاق پیرپسر

تهیه کننده به کانال‌های منتشرکننده **هشدار داد**

از صبح یک‌شنبه چهارم آبان ماه، نسخه اصلی فیلم سینمایی «پیر پسر» ساخته اکتای براهنی در فضای مجازی دست به دست شد تا این فیلم جدیدترین اثر سینمایی لو رفته سینمای ایران لقب بگیرد. نکته جالب توجه اینجاست که نسخه لو رفته که در کیفیت‌های مختلف است، واتر‌مارک و زیرنویس انگلیسی دارد و خیلی زود نیز در حال پخش شدن در شبکه‌های اجتماعی به ویژه کانال‌های تلگرامی است. انگار انتشار نسخه قاچاق فیلم‌های پرفروش تبدیل به عادت مألوف و رویه‌ای معمول در سینمای ایرانی شده است. فیلم «فسیل» هم در اواخر اکرانش قاچاق شد و نسخه کامل آن به طور غیرقانونی در دسترس کاربران صفحات مجازی قرار گرفت. مدیران وقت سینما در آن دوران، انتشار کیی قاچاق فیلم را به سرورهای فرسوده و نامعتبر چند سینما حواله دادند و این خطا را به گردن سینماداران انداختند. اما درباره «پیرپسر» اوضاع به کلی تفاوت دارد. چراکه نسخه‌ای که لو رفته، واتر‌مارک دارد و به خوبی می‌تواند روشن کند که چه نسخه‌ای از چه مسیری منتشر شده است. اکران عمومی این فیلم به پایان رسیده بود اما تهیه‌کننده و کارگردانش در حال برنامه‌ریزی برای انتشار آنلاین مینی‌سریال آن از شبکه خانگی بودند و حالا با لو رفتن نسخه قاچاق این اکران تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و به این ترتیب آنها یا باید در این روزها به سرعت شرایط اکران آنلاین آن را فراهم کنند یا اینکه ترتیبی دهند که دسترسی به نسخه قاچاق فیلم از بین برود.

هفته پیش که خبر انتشار این سریال منتشر شد، حاکی از این بود که بعد از پایان اکران فیلم در سینماها، یک نسخه سریالی از آن در قالب ۶ قسمت به زودی در یکی از پلتفرم‌های نمایش خانگی پخش

آئینه انگلستان ویکتوریایی

دربارهٔ رمان **رومولا** نوشته جورج الیوت با ترجمه رضا رضایی

و اخلاقی که از نظر فضا و مضمون با دیگر آثار او تفاوتی بنیادین دارد. این رمان نخستین اثری است که الیوت در قالب پاورقی و با همکاری ناشر جدید، اسمیت، الدر و شرکا منتشر کرد. گفته می‌شود ناشر مبلغ هنگفتی، حدود ۷۰۰۰ پوند، برای آن پرداخت، اما از نظر تجاری چندان راضی نبود. با این حال، منتقدان بزرگی چون ریچارد هانتن در همان زمان اذعان کردند که هرچند «رومولا» محبوب‌ترین اثر الیوت نخواهد بود، «یکی از بزرگ‌ترین آثار داستانی روزگار ماست ... و احتمالاً بزرگ‌ترین اثر نویسنده است.» الیوت خود دربارهٔ دشواری نگارش «رومولا» گفته است که می‌تواند «به هر جمله‌اش سوگند یاد کند که با تمام خون دل و با نهایت دقت در راست‌گویی‌ای که در توانم بوده، نوشته شده است.» او ۱۸ ماه صرف مطالعه، تحقیق و سفرهای مکرر به فلورانس کرد تا از نزدیک با فضا، تاریخ و روح رنسانس آشنا شود. حاصل این تلاش اثری است سرشار از جزئیات تاریخی، هنری و دینی که گاه موجب شگفتی و تحسین و گاه مایهٔ انتقاد برخی از منتقدان شد. آنتونی ترولوپ، رمان‌نویس معاصر او، پس از خواندن نخستین بخش اثر، از رنج و دقت الیوت شگفت‌زده شد اما هشدار داد، مبادا «بیش از اندازه از سرِ خوانندگان شلیک کند»، یعنی اثر را فراتر از درک عمومی بنویسد.

رنسانس در فلورانس

منتقدان بسیاری میان فلورانس قرن پانزدهم و انگلستان قرن نوزدهم مشابهت‌هایی یافته‌اند. به تعبیر یکی از پژوهشگران، «فلورانس فلسفیاً سردرگم، اخلاقاً نامطمئن و فرهنگی از ریشه بریده، نمونه‌ای از آشفتگی قرن نوزدهم انگلستان است.» الیوت، که خود شاهد بحران‌های فکری و مذهبی دوران ویکتوریا بود، این شهر را صحنه‌ای مناسب برای بازتاب کشاکش‌های فکری عصر خویش یافت. همان‌گونه که در عصر رنسانس، انسان میان ایمان سنتی و خرد نوین در تردید بود، در زمان الیوت نیز جامعهٔ انگلیسی میان علم داروین، نقد کتاب مقدس و بحران ایمان دست‌وپا می‌زد. از این رو «رومولا» در ظاهر روایتی تاریخی از فلورانس رنسانس است اما در باطن گفت‌وگویی است میان گذشته و حال؛ میان رهایی فکری و مسئولیت اخلاقی. داستان در فاصلهٔ سال‌های ۱۴۹۲ تا ۱۴۹۸ یعنی از مرگ لورنتسو دِ مدیچی تا قدرت‌گیری ساوونارولا می‌گذرد. الیوت در این ۶ سال پرآشوب، با ظرافتی کم‌نظیر، دگرگونی سیاسی و معنوی فلورانس را با تحولات درونی شخصیت‌های خود درهم می‌آمیزد. حضور

خواهد شد. این نسخه ۲۶۰ دقیقه‌ای خواهد بود؛ یعنی حدود ۶۰ دقیقه بیشتر از نسخه سینمایی‌اش. نسخه سینمایی «پیرپسر» ۱۸۰ دقیقه بود که می‌توان آن را طولانی‌ترین فیلم سینمای ایران دانست. با توجه به استقبالی که از نسخه سینمایی این فیلم صورت گرفت، مینی‌سریال آن هم به طورحتم در شبکه نمایش خانگی مورد استقبال قرار می‌گرفت.





راپونزل زنده می‌شود

والث دیزنی نسخه سینمایی گیسوکنند را
با اسکارلت جوهانسون می‌سازد

داستانی است راجع به یک شاهزاده دختر که توسط جادوگری پیر و شرور در دوران کودکی ربوده می‌شود و در یک ساختمان بلندمرتبه توسط او نگهداری می‌شود. در حقیقت این ربایش، چاره حیات و ادامه زندگانی جادوگر شرور است. در آن سرزمین گلی وجود دارد که قدرتی جادویی از نور خورشید دریافت می‌کند و خاصیت شفابخش دارد. جادوگر برای ادامه حیات خویش و ماندن در سنین جوانی نیاز دارد تا از این گل نیرو بگیرد و از نور آن بهره‌مند شود. در همین حال، پادشاه این سرزمین و همسرش صاحب یک دختر می‌شوند که دچار بیماری شده است، برای درمان آن بیماری آنها به دنبال همان گل جادویی می‌گردند و سرانجام با به دست آوردن تنها ساقه باقی‌مانده گل دخترشان نجات می‌یابد. حالا جادوگر تنها راه چاره خویش را از دست داده است و برای بقای خویش و جوان ماندن مخفیانه به قصر می‌آید تا تکه‌ای از موی دختر شاه را بچیند و با خود برد زیرا موی او خاصیت جادویی نورافشانی و شفابخشی گل را در خود جذب کرده و نگاه داشته است اما تلاش او فایده‌ای ندارد زیرا با چیدن موهای دختر پادشاه این خاصیت از بین می‌رود. جادوگر نیز دختر را که کودکی بیش نیست، می‌رباید تا بتواند جوانی‌اش را حفظ کند.

ساخت این انیمیشن در زمان خویش یک قمار بزرگ توسط دیزنی به شمار می‌رفت. شاید باور این موضوع برای مخاطبان سخت باشد اما بودجه ساخت این انیمیشن ۲۶۰ میلیون دلار اعلام شده است در حالی که انیمیشن‌های امروزی با ارقامی حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ میلیون دلار ساخته می‌شوند. «گیسوکنند» در گیشه فروش توانست به رقم ۵۹۱ میلیون دلار دست یابد که می‌توان موفقیت نسبی را برای این فیلم در نظر گرفت. هزینه تولید کلان ۲۶۰ میلیون دلاری این انیمیشن از جمله مواردی بود که مورد توجه تحلیل‌گران اقتصادی سینما قرار گرفته بود. به همین دلیل اهل فن، پرسش‌هایی درباره رقم هزینه‌های تولید نسخه زنده مطرح کرده‌اند.

در نسخه انیمیشن بار دیزنی اقدام به شبیه‌سازی مو و لباس در یک اثر سینمایی با تکنیک سه بعدی کرد، حاصل کار هم درخشان بود. تا پیش از «گیسوکنند» هیچ اثر سینمایی نبود که تا این اندازه موفق به شبیه‌سازی مو و لباس کاراکترها در ابعاد زیاد پرداخته باشد. متحرک‌سازی روان و نرم و در عین حال پراحساس این انیمیشن، نقطه قوت و قدرت این اثر شده است. حرکت کاراکترها به خصوص ادای جملات و اجرای آنها بسیار هنرمندانه و لطیف از آب درآمده است.

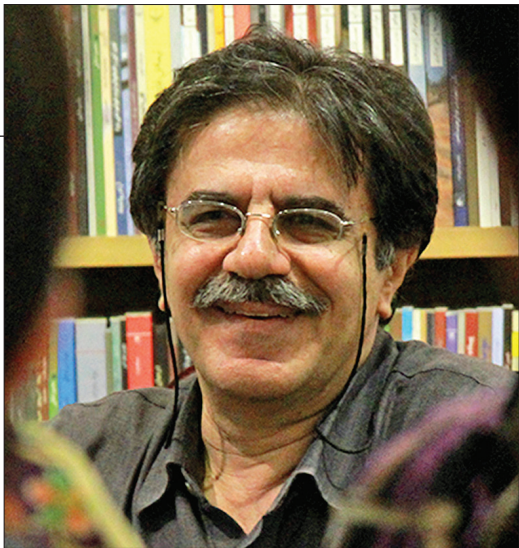
این در حالی است که مدیران والت دیزنی گفته‌اند، «گیسوکنند» زنده را به هزینه‌ای معقول تهیه خواهند کرد. کمپانی والت دیزنی امیدوار است که گیسوکنند زنده به کارگردانی مایکل گریسی بتواند موفقیت مالی بالایی یک میلیارد دلاری جهانی لیلو و استیج زنده را تکرار کند.

کمپانی والت دیزنی خشنود از موفقیت کلان مالی و انتقادی «لیلو و استیج» خبر از تولید نسخه زنده «گیسوکنند» خود می‌دهد. فیلم به بازسازی زنده ماجراجویی‌هایی اکشن و فانتزی نسخه انیمیشنی سال ۲۰۱۰ کمپانی خواهد پرداخت. اعلام خبر ساخت گیسوکنند زنده بعد از آن است که مدیران والت دیزنی سال گذشته گفته بودند، تولید آن متوقف شده است. کمپانی والت دیزنی که از سه سال قبل به دنبال تولید نسخه زنده گیسوکنند بود، بعد از شکست سخت مالی نسخه زنده «سفیدبرفی» در سال گذشته، ساخت گیسوکنند را لغو کرد. اما حالا با توجه به فروش کلان نسخه زنده لیلو و استیج، کمپانی در تصمیم قبلی خود تجدید نظر کرده و ساخت گیسوکنند را در دستور کار خود قرار داده است. البته از کمپانی شنیده می‌شود که فیلمنامه قبلی گیسوکنند با تغییرات مهمی روبه‌رو خواهد شد و فیلمنامه‌نویس آن جنیفر کایتین رایبنسن هم اکنون در حال نگارش مجدد آن است. تا اینجا حضور اسکارلت جوهانسون در نقش کاراکتر مادر گوتل قطعی شده و کار انتخاب بقیه بازیگران نسخه زنده ادامه دارد.

با توجه به اینکه انیمیشن «گیسوکنند» آغازگر دهه جدید برای دیزنی بود، انتظارات زیادی از آن وجود داشت. فیلم قبلی دیزنی یعنی «شاهدخت و قورباغه» هم در گیشه نسبتاً خوب عمل کرده بود و در سطح جهانی توانست ۲۶۷ میلیون دلار در مقابل بودجه ۱۰۵ میلیون دلاری بفروشد. بعد از آن مدیران دیزنی به دنبال رویکردی گسترده‌تر بودند که کمتر به جنسیت خاصی وابسته باشد. در مقاله‌ای از سال ۲۰۱۰ در روزنامه لس‌آنجلس تایمز منتشر شد، اد کتمول رئیس سابق استودیوی انیمیشن‌سازی والت دیزنی و یکی از بنیان‌گذاران پیکسار گفت: «ما نمی‌خواستیم خودمان را به یک چارچوب خاص محدود کنیم. برخی ممکن است فرض کنند که «راپونزل» یک افسانه دخترانه است. در حالی که اصلاً اینطور نیست. ما فیلم می‌سازیم تا توسط همه مورد تقدیر و توجه قرار بگیرد».

جالب است بدانید شبیه‌سازی مو در این پروژه حاصل تلاش دانشجوی ایرانی بوده است که مشغول تحصیل در رشته کامپیوتر بوده و موضوع پایان‌نامه خویش را شبیه‌سازی مو در رایانه با انیمیشن‌های رایانه‌ای انتخاب کرده بود. استودیو والت دیزنی نیز با آغوش باز از این دانشجوی خلاق و باهوش استقبال کرد و دانش فنی و نبوغ او باعث شد تا دیزنی بتواند در ابعاد سینمایی یک سیستم شبیه‌سازی مو را ایجاد کرده و از آن بهره‌برداری نماید. بدون شک جلوه‌های شبیه‌سازی شده مو در این اثر سبب جذب مخاطبان زیادی شد، نکته‌ای که در واقع حاصل همکاری علم و تجارت و هنر است.

نسخه زنده هم مثل نسخه کارتون، داستان معروف و کلاسیک برادران گریم درباره شاهزاده خانم راپونزل گیسوکنند را تعریف و بازخوانی می‌کند. «گیسوکنند»



رومولا

حکایت یاس و امید

جورج الیوت

ترجمه رضا رضایی

نشرنی

۸۶۲ صفحه

۱۲۰۰۰۰ تومان

ایمان پرشور مسیحی در عصری است که از جهاتی بسیار به زمان ما شباهت دارد. در «رومولا»، ایمان نه امری ایستا و موروثی بلکه فرآیندی درونی و پویاست. شخصیت اصلی، همچون خود الیوت، از ایمان سنتی به سوی درکی انسانی‌تر از دین حرکت می‌کند. این مسیر نوعی سفر روحی است که در آن، انسان می‌آموزد حقیقت را نه در نهادهای بیرونی بلکه در همدلی و وجدان خویش بجوید. الیوت، که خود تجربه‌ای عمیق از بحران ایمان داشت، در این رمان کوشید تا میان شک و یقین آشتی برقرار کند. او از یک‌سو به عقلانیت عصر جدید باور داشت و از سوی دیگر از فروکاستن انسان به ماشین علم‌گرایی هراس داشت. از نظر او، انسان بدون ایمان و اخلاق، تهی و بی‌ریشه است؛ اما ایمان نیز اگر از تعقل و آزادی تهی شود به تعصب بدل می‌شود. رومولا تجلی همین تعادل دشوار میان عقل و ایمان است. از دید بسیاری از منتقدان معاصر، رومولا اگرچه به اندازه «میدل‌مارج» خواننده عام ندارد اما اثری است که بیش از هر کتاب دیگر الیوت، روح و جوهر اندیشه او را در خود دارد. این رمان پلی است میان تاریخ و فلسفه، میان تخیل و پژوهش و میان زیبایی‌شناسی و اخلاق. ویلیام اسکیدلسکی، سردبیر بخش کتاب روزنامه آیزورر، آن را یکی از «ده رمان تاریخی برتر تمام دوران‌ها» دانسته است.



شخصیت‌های تاریخی همچون ماکیاولی در کنار شخصیت‌های خیالی مانند رومولا و تیتو به اثر بعدی مستند و در عین حال تخیلی می‌دهد که هم جذاب و هم اندیشه برانگیز است.

زن، آگاهی و اخلاق

قهرمان داستان، زنی جوان و اصیل به نام رومولاست که از خاندان دانش‌دوست توسکانی برخاسته. او در آغاز دختری است منزوی، خردمند و درگیر مطالعه اما در جریان حوادث سیاسی و مذهبی فلورانس، از خلوت کتابخانه به میدان اجتماع و وجدان گام می‌نهد. مسیر رشد او از جهل به آگاهی و از اطاعت به استقلال، همان مسیر معنوی است که الیوت خود در زندگی پیموده بود. بسیاری از منتقدان، از جمله فلیشیا بوناپارت، او را بازتابی از خود نویسنده دانسته‌اند؛ «چهره‌ای تمام‌عیار معاصر، روشنفکر ویکتوریایی‌ای که در برابر معضلات عصر جدید سرگشته است.» رومولا در جهانی مردسالار زندگی می‌کند که زن را به فرمانبرداری و سکوت وامی‌دارد؛ با این حال، او در میانه آشوب سیاسی و ایمانی، راهی انسانی‌تر می‌یابد؛ راهی میان عقل و احساس، میان ایمان و اخلاق. در روندی تدریجی، او درمی‌یابد که نیکی و حقیقت نه در نهاد کلیسا بلکه در وجدان آگاه انسان نهفته است. این درک، که حاصل تجربه و رنج است، او را از وابستگی به نظام‌های بیرونی رها می‌سازد و به انسانی خودآگاه و مسئول بدل می‌کند؛ از همین‌رو، رومولا را می‌توان یکی از نخستین آثار انگلیسی دانست که در آن زن نه در حاشیه بلکه در مرکز جهان اخلاقی و فکری قرار دارد. الیوت در قالب این شخصیت، پرسشی بنیادین را طرح می‌کند: مرز میان اطاعت و مقاومت برای زنان کجاست؟ آیا اخلاق به معنای پیروی از قانون است یا انتخابی آزاد و آگاهانه؟ این پرسش، اگرچه در بستر فلورانس رنسانس طرح می‌شود، درواقع بازتاب دغدغه‌های زنان و ویکتوریایی و حتی انسان مدرن است.

خرد و جست‌وجوی درونی

به گفته ریچارد هاتن در مجله اسپکتیتور (۱۸۶۳)، «بزرگ‌ترین هدف هنری داستان، ترسیم کشمکش میان فرهنگ آزاداندیش و

چراکه برخی از تماشاگران این فیلم بیش از یک بار به تماشای آن در سینماها نشستند و برخی دیگر که مدت‌ها بود به سینما نرفته بودند برای تماشای «پیرپسر» به سالن سینما پا گذاشتند. با اینکه این فیلم از تیزرهای تبلیغاتی در تلویزیون محروم بود اما پخش تیزرهای تبلیغاتی آن از شبکه‌های ماهواره‌ای کمک زیادی به اکران آن کرد. البته سوژه ملتهب، بازی خیره‌کننده حسن پورشیرازی و حضور بازیگرانی مانند لیلا حاتمی، حامد بهداد و ... خوش‌ساختی و کارگردانی درخشان و طراحی صحنه و فیلمبرداری از عواملی بود که «پیرپسر» را با سایر فیلم‌های روی پرده متمایز می‌کرد.

حنیف سروری، تهیه‌کننده «پیرپسر» در این خصوص به خبرنگار سایت رها گفت: «نسخه‌ای که از صبح امروز در کانال‌های تلگرام منتشر شده، واترمارک دارد و ما قطعاً از فرد یا افرادی که دست به انتشار این فایل زدند، شکایت می‌کنیم. این فیلم در دو سال اخیر برای جشنواره‌های مختلفی ارسال شده و نسخه نهایی کار است اما ما به



هرجایی که فیلم را فرستادیم، کد و واترمارک مخصوص گذاشتیم و مشخصاً معلوم است که این فایل دست چه کسی بوده و از کجا درز کرده. ما تا چند ساعت دیگر فرد را پیدا می‌کنیم و از طریق حقوقی از او شکایت می‌کنیم».

تهیه‌کننده «پیرپسر» اضافه کرد: «به کانال‌های تلگرامی که این فایل را منتشر می‌کنند، اخطار می‌دهیم در جریان باشند که کی‌رایت این اثر در آمریکا ثبت شده و خسارت سنگینی مالی و حقوقی باید پرداخت کنند. هر کانالی که این فیلم را بگذارد، چون فایل غیرقانونی است، ادمن کانال با مجازات کیفری روبه‌رو می‌شود چون ما پیگیر این ماجرا هستیم، پیدا کردن این افراد کاری ندارد و با پلیس فتا هم به دنبال پیدا کردن این افراد هستیم». سروری ادامه داد: «استودیو با توجه به کدی که روی فایل هست، می‌تواند مشخص کند که این نسخه در اختیار چه شخص یا اشخاصی بوده. کسی که این فایل را در اختیار کانال‌های تلگرامی گذاشته را به راحتی پیدا می‌کنیم. جدا از واترمارک روی تصویر در چند جای دیگر فیلم نیز کدگذاری کردیم و سریعاً مشخص می‌شود فایل از کجا منتشر شده». تهیه‌کننده «پیرپسر» در انتها گفت: «تاریخ اکران آنلاین فیلم فعلاً مشخص نیست و با توجه به اتفاقات رخ داده ممکن است تغییر کند. هنوز برای این مساله تصمیم‌گیری نشده است». با اینکه این تهیه‌کننده به کانال‌های تلگرامی هشدار داده و به دلیل اینکه فیلم کی‌رایت دارد احتمالاً برخی از کانال‌ها از انتشار غیرقانونی آن منصرف خواهند شد اما همچنان برخی از کانال‌ها، نسخه قاچاق آن را منتشر کردند و در دسترس است. هر چقدر مسدود شدن و برداشته شدن نسخه غیرقانونی فیلم دیرتر صورت گیرد، کنترل آن سخت‌تر می‌شود و در واقع نمی‌توان تمامی نسخه‌ها را جمع‌آوری کرد.

«پیرپسر» پرفروش‌ترین فیلم سینما در امسال بوده و هنوز هیچ فیلمی نتوانسته رکورد آن را بشکند. فروش این فیلم تا پایان اکران در تهران به بیش از ۱۸۱ میلیارد تومان رسیده بود و کمی بیش از ۲ میلیون تماشاگر داشت. البته به لحاظ مخاطب فیلم کمدی «مرد عینکی» به کارگردانی کریم امینی بیش از ۲ میلیون و ۲۱۰ تماشاگر داشت و هنوز هم اکران آن در سینماهای تهران ادامه دارد. فروش «مرد عینکی» تا به امروز به حدود ۱۷۲ میلیارد تومان رسیده است اما بعید به نظر می‌رسد بتواند رکورد «پیرپسر» را بزند.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

مزیت طلا

چه دلایلی برای استقرار استاندارد طلا وجود دارد؟

تایلر کوئن

اقتصاددان دانشگاه جرج میسون

داده‌های تاریخی نشان می‌دهد، زمانی که ایالات متحده تحت نظام «استاندارد طلا» فعالیت می‌کرد یعنی زمانی که ارزش هر دلار با مقدار ثابتی از طلا پشتیبانی می‌شد. نوسان‌های اقتصادی به‌ویژه در تولید صنعتی و نرخ بیکاری بسیار کمتر از دوران پول فیات بود. پیش از سال ۱۹۱۴ شاخص‌های ثبات اقتصادی در آمریکا وضعیت مطلوب‌تری داشتند و تغییرات تولید و اشتغال با شدت پایین‌تری رخ می‌داد. هرچند این شواهد به‌تهایی نمی‌توانند گواهی قاطع بر برتری نظام طلا باشند اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران پول فیات نیز در طول قرن بیستم، مرتکب اشتباهات فراوانی شده‌اند.

دوره کلاسیک استاندارد طلا از سال ۱۸۱۵ تا آغاز جنگ جهانی اول عموماً با رشد پایدار اقتصادی، تورم پایین و صلح نسبی همراه بود. در مقابل، پس از فروپاشی این نظام و ورود به عصر پول فیات، جهان شاهد بحران‌های شدید مالی بود: آشوب‌های دهه ۱۹۲۰، ابرتورم در برخی کشورها و رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰. حتی نظام برتون وودز پس از جنگ جهانی دوم- که در آن پول‌ها به دلار و دلار به طلا قابل تبدیل بود- تا زمانی که این پیوند در دهه ۱۹۷۰ گسسته نشده بود، ثباتی نسبی را تجربه کرد. پس از قطع رابطه دلار با طلا، نرخ‌های تورم و بهره افزایش یافت و بی‌ثباتی مالی گسترش پیدا کرد. از منظر سال ۱۹۷۹ بازگشت به نوعی از استاندارد طلا برای بسیاری از اقتصاددانان منطقی به نظر می‌رسید.

البته بعدها شرایط تغییر کرد. برخلاف پیش‌بینی‌ها، نظام پولی مبتنی بر بانک‌های مرکزی مستقل توانست برای حدود ۴ دهه ثبات نسبی را در اقتصاد جهانی حفظ کند. هرچند طرفداران استاندارد طلا این موفقیت را اتفاقی و موقتی می‌دانند، نمی‌توان انکار کرد که سیاست‌های پولی مدرن در مهار تورم و مدیریت

چرخه‌های اقتصادی نقش مهمی داشته‌اند.

با این حال من شخصاً طرفدار بازگشت به استاندارد طلا نیستم. نخست آنکه تاریخ نشان داده حتی در نظام طلا نیز دولت‌ها و سیاستمداران از مداخله در ارزش پول دست نکشیده‌اند؛ در حالی که بانک‌های مرکزی امروزی، هرچند بی‌نقص نیستند، از استقلال نسبی برخوردارند و می‌توانند تصمیم‌هایشان را بر پایه تحلیل داده و دستورالعمل‌های علمی اتخاذ کنند. دوم آنکه در زمان بحران‌های مالی مانند بحران ۲۰۰۸ بانک‌های مرکزی باید امکان واکنش سریع و تزریق نقدینگی به بازار را داشته باشند امکانی که نظام مبتنی بر طلا به‌سختی فراهم می‌کند. سوم، در دنیای امروز قیمت طلا بیش از هر چیز تابع تقاضای کشورهای مانند چین و هند است؛ بنابراین پایه‌گذاری ارزش دلار یا اقتصاد آمریکا بر کالایی با چنین نوسانات بیرونی، تصمیمی منطقی نیست.

با وجود این دلایل، تاریخ همچنان باور به برتری سیاست‌گذاری پولی را به چالش می‌کشد. با افزایش جمعیت سالمند و رشد بی‌سابقه بدهی دولت‌ها، بسیاری از کشورها به سمت سیاست‌های مالی انبساطی‌تر حرکت می‌کنند؛ سیاست‌هایی که ممکن است با افزایش چاپ پول، ارزش آن را کاهش دهند و تورم را بالا ببرند. از این منظر، بازگشت به محدودیت‌های طلا برای مهار ولنگاری مالی دوباره جذاب به نظر می‌رسد.

اما شاید بهترین دلیل برای دفاع از نوعی قید شبیه استاندارد طلا، نه اقتصادی بلکه سیاسی باشد: تجربه دخالت‌های مستقیم سیاستمدارانی مانند دونالد ترامپ در کار بانک مرکزی نشان داد که حتی نظام پولی مدرن نیز از تهدید قدرت سیاسی در امان نیست. به بیان دیگر، طلا نه‌تنها نماد ثبات اقتصادی بلکه گاهی یادآور ضرورت محدودیت قدرت سیاسی در اقتصاد است.



علیه مردم

تحریم‌ها چگونه مسیر واردات تکنولوژی را مسدود می‌کنند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

تحریم‌ها در دهه ۱۳۹۰ میلادی، نقطه عطفی در مسیر توسعه فناوری و صنعت در ایران به شمار می‌روند. این محدودیت‌ها نه تنها جریان مالی و تجاری کشور را مختل کردند بلکه بر کیفیت و نوع فناوری وارد شده نیز اثر گذاشتند. در حالی که بسیاری از کشورهای جهان با تدوین سیاست‌های محیط‌زیستی سخت‌گیرانه مانع از ورود صنایع آلاینده، فناوری‌های پر مصرف و ماشین‌آلات قدیمی به خاک خود می‌شوند، ایران در سال‌های تحریم به مقصد مطلوبی برای چنین فناوری‌هایی تبدیل شد. در بسیاری از کشورها، مقررات زیست‌محیطی و استانداردهای انرژی همچون سدی در برابر ورود صنایع آلوده‌کننده عمل می‌کند. برای نمونه، کشورهای توسعه‌یافته با سخت‌گیری در صدور مجوز فعالیت برای صنایع سنگین مانند فولاد، سیمان یا صنایع شیمیایی عملاً از انتقال فناوری‌های پر مصرف و آلاینده به سرزمین خود جلوگیری می‌کنند. اما در ایران به دلیل فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم و نیاز فوری به جذب سرمایه و تداوم تولید، این روند معکوس شد. در غیاب نظارت کافی و با کاهش سطح استانداردهای زیست‌محیطی، ماشین‌آلات مستهلک، تجهیزات کم‌بازده و فناوری‌های منسوخ از کشورهای دیگر وارد شدند و چرخه‌ای از ناپایداری زیست‌محیطی را در کشور ایجاد کردند. به این ترتیب، تحریم‌ها نه‌تنها مانع ورود فناوری‌های نوین و پاک به کشور شدند بلکه زمینه ورود فناوری‌های آلوده‌کننده را نیز فراهم کردند.

شرایط خاص اقتصادی باعث شد که ایران به نوعی «بهشت کارخانه‌جات آلاینده» بدل شود؛ جایی که کارخانه‌هایی که در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل عدم تطابق با استانداردهای محیط‌زیستی تعطیل می‌شدند به راحتی در ایران دوباره فعال شدند. نمونه‌های بارز این پدیده را می‌توان در صنایع فولاد، سیمان و پتروشیمی مشاهده کرد. بسیاری از این کارخانه‌ها، که در کشورهای مبدأ امکان فعالیت نداشتند، با انتقال خطوط تولید و ماشین‌آلات مستعمل خود به ایران فعالیت‌شان را از سر گرفتند. این انتقال نه تنها آلودگی هوا و آب را افزایش داد بلکه الگوی مصرف انرژی کشور را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داد.

یکی از نمونه‌های گویا در این زمینه، تجربه استخراج رمزارزها در ایران است. در سال‌های اخیر به‌ویژه در پی تشدید تحریم‌ها، ایران به یکی از مقاصد اصلی استخراج‌کنندگان بین‌المللی بیت‌کوین تبدیل شد. پایین بودن قیمت حامل‌های انرژی، ضعف نظارت و نبود قوانین شفاف درباره استخراج رمزارزها باعث شد که سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی در مدت زمانی کوتاه، مراکز عظیم استخراج در کشور ایجاد کنند.

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

اوج دوباره بورس

بازار سهام چگونه دوباره اوج گرفت؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران روز یک‌شنبه با رشد نامرگاری سهامی پیگیری شد. در معاملات دیروز بورس تهران، شاخص کل با رشد ۰/۷۹ درصدی همراه شد و به سطح ۳ میلیون و ۸۴ هزار واحدی رسید. در معاملات دیروز، شاخص کل به محدوده ۳ میلیون و ۶۰ هزار واحد عقب‌نشینی کرد و در معاملات با پیشروی نامرگ بازار سهام به سطح ۳ میلیون و ۸۴ هزار واحد، بازدهی شاخص از ابتدای هفته مثبت شد تا برای پنجمین هفته متوالی، بازدهی هفتگی شاخص مثبت شود.

بازار سهام دیروز یک‌شنبه ۴ آبان ۱۴۰۴ با جوی مثبت و بهبود محسوس در شاخص‌ها همراه بود. شاخص کل بورس تهران با رشد ۲۴/۱۳۸ واحدی در سطح ۳,۰۸۴,۲۴۰ واحد

هرچند این فعالیت‌ها از منظر اقتصادی در ظاهر به جذب سرمایه خارجی و افزایش درآمد ارزی تعبیر شد اما در عمل به مصرف بی‌رویه برق و فشار مضاعف بر شبکه انرژی کشور منجر شد. استخراج رمزارز به انرژی زیادی نیاز دارد و با توجه به سهم بالای نیروگاه‌های فسیلی در تولید برق ایران، این روند به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و تخریب محیط‌زیست انجامید. در واقع، تجربه بیت‌کوین نشان داد که در غیاب سیاست‌گذاری هوشمند، ایران می‌تواند در مدت زمانی کوتاه به پناهگاه فعالیت‌هایی تبدیل شود که سایر کشورها به دلایل زیست‌محیطی و مقرراتی اجازه انجام آن را نمی‌دهند. تحریم‌ها به شکلی دیگر نیز بر کیفیت فناوری‌های وارداتی اثر گذاشتند. محدودیت در دسترسی به نظام مالی بین‌المللی و مسدود شدن روابط بانکی رسمی باعث شد، شرکت‌های ایرانی برای تأمین تجهیزات و فناوری‌های مورد نیاز خود به مسیرهای غیررسمی، واسطه‌ها و شبکه‌های واسط در کشورهای ثالث متوسل شوند.



این فرآیند ضمن افزایش هزینه مبادله و زمان واردات، کیفیت کالاهای دریافتی را نیز کاهش داد. شرکت‌های خارجی که به دلیل تحریم حاضر به معامله مستقیم با ایران نبودند، اغلب محصولات منسوخ، کم‌کیفیت یا غیرقابل به‌روزرسانی را از طریق واسطه‌ها عرضه کردند. در نتیجه، صنایع ایرانی در دهه ۱۳۹۰ با ترکیبی از مشکلات مواجه شدند: کاهش توان نوسازی تجهیزات، افزایش وابستگی به فناوری‌های قدیمی، افت بهره‌وری و کاهش رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی. این وضعیت در صنایع کلیدی مانند نفت، گاز، خودروسازی و فناوری اطلاعات نمود بیشتری داشت. در بخش انرژی، تحریم‌ها مانع ورود تجهیزات مدرن حفاری و فناوری‌های پالایش پاک شدند. در صنعت خودرود، خودروسازان داخلی ناچار شدند به استفاده از پلتفرم‌های قدیمی و فناوری‌های منسوخ ادامه دهند. در حوزه فناوری اطلاعات نیز به‌دلیل تحریم‌های نرم‌افزاری، بسیاری از شرکت‌ها، دسترسی خود را به خدمات ابری، ابزارهای توسعه نرم‌افزار و زیرساخت‌های ارتباطی بین‌المللی از دست دادند. اما اثر تحریم‌ها محدود

قرار گرفت. در کنار آن، شاخص هم‌وزن نیز ۶,۸۷۰ واحد رشد کرد و به سطح ۹۰۷,۷۰۵ واحد رسید. این هم‌جهتی رشد دو شاخص نشان می‌دهد که فضای مثبت بازار تنها محدود به نمادهای بزرگ نبوده و اکثر گروه‌ها و نمادهای کوچک‌تر نیز در مسیر صعود قرار گرفته‌اند.

ارزش کل بازار دیروز حدود ۹,۳۷۴,۵ هزار هزار میلیارد ریال (معادل ۸۸ میلیارد دلار) بود.

ارزش معاملات در ۱۲۰۱ هزار میلیارد تومان رسید که نشان‌دهنده افزایش مشارکت معامله‌گران و بهبود نقدشوندگی بازار است. این سطح از معاملات می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از بازگشت اعتماد به بازار تلقی شود. در بخش صندوق‌ها نیز ارزش معاملات صندوق‌های درآمد ثابت ۸۰۲ هزار میلیارد تومان بود. همچنین ارزش معاملات آپشن‌ها ۷۴۸.۵ میلیارد تومان و ارزش معاملات بلوکی سهام ۸۰۲.۷ میلیارد تومان به ثبت رسید. یکی از نکات مهم دیروز ورود ۶۸۸.۵ میلیارد تومان پول حقیقی به بازار بود. این موضوع سیگنال مثبتی

به جریان فیزیکی کالا نبود؛ انتقال دانش فنی و ارتباط با شبکه‌های جهانی فناوری نیز مختل شد. در شرایط عادی واردات فناوری همراه با آموزش، خدمات فنی، پشتیبانی و همکاری‌های تحقیقاتی است. اما با قطع همکاری شرکت‌های بین‌المللی، بنگاه‌های ایرانی از این زنجیره دانشی جدا شدند. در نتیجه حتی در مواردی که ماشین‌آلات و تجهیزات وارد می‌شد به دلیل نبود پشتیبانی و دسترسی به دانش به‌روز، بهره‌برداری مؤثر از آن دشوار بود. از منظر ساختار بازار، تحریم‌ها الگوی رفتار فعالان اقتصادی را نیز تغییر دادند. در فضای تحریم، واردکنندگان برای حفظ ارتباط با بازار جهانی به شبکه‌های غیررسمی و واسطه‌ها وابسته شدند. این وضعیت نه‌تنها ریسک فساد و رانت را افزایش داد بلکه شفافیت و رقابت سالم را نیز تضعیف کرد. در عمل، بسیاری از قراردادهای واردات فناوری در این دوران از مسیرهای مبهم و با هزینه‌های اضافی انجام شد، در حالی که کیفیت محصولات و خدمات دریافتی اغلب کمتر از حد انتظار بود.

از منظر سیاست‌گذاری، تحریم‌ها نوعی «شوک نهادی» ایجاد کردند؛ به‌گونه‌ای که دولت و نهادهای سیاست‌گذار به جای تمرکز بر توسعه پایدار و جذب فناوری‌های نو، ناگزیر به سیاست‌های کوتاه‌مدت برای حفظ تولید و اشتغال شدند. در چنین فضایی، استانداردهای زیست‌محیطی و انرژی در اولویت دوم قرار گرفتند و فضای لازم برای ورود فناوری‌های پاک و کارآمد شکل نگرفت. در حالی که کشورهای توسعه‌یافته به سمت بهره‌وری انرژی، دیجیتالی‌سازی و کاهش آلاینده‌ها حرکت می‌کردند، در ایران مسیر معکوسی طی شد: رشد صنایع آلاینده، گسترش فعالیت‌های پر مصرف و تضعیف سرمایه‌گذاری در نوآوری فناوریانه. تجربه دهه ۱۳۹۰ نشان داد که اثر تحریم‌ها بر واردات فناوری صرفاً اقتصادی نیست بلکه پیامدهای عمیق زیست‌محیطی، اجتماعی و نهادی دارد. تحریم‌ها، کشور را از زنجیره جهانی نوآوری جدا کردند، مسیر ورود فناوری‌های نوین را بستند و همزمان زمینه را برای ورود فناوری‌های مستعمل و آلاینده فراهم کردند. نتیجه این فرآیند، کاهش بهره‌وری کل عوامل تولید، تشدید آسیب‌های زیست‌محیطی و عقب‌ماندگی فناوریانه در بخش‌های کلیدی اقتصاد بود. پرسش اصلی امروز این است که بر اساس تجربه دهه ۱۳۹۰ چگونه می‌توان در شرایط تداوم یا بازگشت تحریم‌ها از تکرار این الگو جلوگیری کرد؟ بررسی تجربه گذشته نشان می‌دهد که بدون اصلاح سیاست‌گذاری و تقویت نظارت زیست‌محیطی، هرگونه تلاش برای جبران اثر تحریم‌ها ممکن است به تداوم چرخه ورود فناوری‌های آلوده و ناکارآمد بینجامد. بنابراین راهکار نه در پذیرش بی‌قیدوشرط سرمایه‌گذاری خارجی بلکه در هدایت هدفمند آن به سوی فناوری‌های کم‌مصرف، پاک و سازگار با توسعه پایدار است.

برای فعالان بازار محسوب می‌شود. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت شاهد خروج ۶۹۷.۸ میلیارد تومان پول بودند که نشانه‌ای از افزایش ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران و تمایل به ورود به سهام است. در بخش سفارشات، ارزش سفارشات خرید ۲,۵۰۵ میلیارد تومان و ارزش سفارشات فروش ۹۵۱ میلیارد تومان بود. نسبت بیش از ۲.۵ برابری بین خرید و فروش نشان می‌دهد که جو خرید در بازار دیروز به‌وضوح بر عرضه غلبه داشته است. از نظر حجم ۲۸.۸ میلیارد سهم در معاملات خرد دست به دست شد که بیانگر تحرک بالای بازار است. چنین حجمی معمولاً نشانه‌ای از افزایش امیدواری و فعالیت فعالان بازار به‌ویژه در نمادهای بزرگ است.

از مجموع نمادهای فعال ۵۵۶ نماد (۶۴ درصد) مثبت و تنها ۳۱۶ نماد (۳۶ درصد) منفی بودند. این ترکیب تأکیدی بر برتری مطلق تقاضا در کل بازار دارد. سرانه خرید حقیقی ۷۴.۶ میلیون تومان و سرانه فروش حقیقی ۷۶.۴ میلیون تومان بود که اختلاف اندک میان آن‌ها نشان‌دهنده تعادل نسبی میان دو سمت بازار است؛ با این حال ورود خالص پول حقیقی باعث شد، سمت تقاضا در مجموع برنده روز باشد. بازار سهام دیروز با رشد شاخص‌ها، افزایش ارزش معاملات و ورود پول حقیقی، چهره‌ای مثبت از خود نشان داد. این شرایط اگر در روزهای آینده تداوم یابد، می‌تواند آغازگر موجی جدید از خوش‌بینی در میان سهام‌داران باشد.

رود خانه خواری دولتی

انتقاد محمد درویش از مصوبه دولت و عملکرد وزارت میراث فرهنگی



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

در میانه بحرانی که جنگل‌زدایی، خشکی تالاب‌ها و دست‌اندازی به کوهستان‌ها سیمای طبیعت ایران را دگرگون کرده، مصوبه تازه دولت برای مجاز شناختن ایجاد تأسیسات گردشگری در حریم رودخانه‌ها و دیگر پهنه‌های آبی، موجی از نگرانی و انتقاد برانگیخته است. مدافعان از «گشایش برای سرمایه‌گذاری» می‌گویند و منتقدان آن را «قانونی‌سازی رودخانه‌خواری» می‌خوانند.

به موجب ابلاغیه تیرماه، استقرار زیرساخت‌ها و تأسیسات گردشگری در حریم رودخانه‌ها، سد‌ها و منابع آبی فاقد مانع اعلام شده است؛ رویکردی که از سوی وزارت میراث فرهنگی به‌عنوان موتور محرک جذب سرمایه و رونق گردشگری معرفی می‌شود. با این حال جامعه محیط‌زیست هشدار می‌دهد چنین مجوزی در عمل به تشدید تجاوز به بستر و حریم آبراهه‌ها می‌انجامد و خطر را متوجه جان مردم و سرمایه طبیعی کشور می‌کند.

سازمان حفاظت محیط‌زیست با صراحت این مصوبه را ناسازگار با قوانین بالادستی دانسته و پیگیری لغو آن را اعلام کرده است. استدلال محوری منتقدان حقوقی این است که طبق قوانین موجود – از جمله مقررات مربوط به اراضی ساحلی و قوانین حفاظت از تالاب‌ها– حریم منابع آبی، ملک خصوصی و عرصه بهره‌برداری اختیاری نیست و هرگونه تصرف در آن منوط به ارزیابی دقیق اثرات

حاشیه

اختلاف دولت و مجلس

کشمکش بر سر سازمان ملی هوش مصنوعی ادامه دارد

گروه اجتماعی؛ با وجود اعلام مخالفت دولت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه ۴ آبان با اکثریت آرا، تشکیل «سازمان ملی هوش مصنوعی» به‌عنوان یک نهاد مستقل را تصویب کردند. این مصوبه در حالی صورت گرفت که دولت چند هفته پیش‌تر، انحلال این سازمان نوپا و جایگزینی وظایف آن با یک «ستاد هوش مصنوعی» چابک را اعلام کرده بود. ایده تأسیس یک نهاد مرکزی برای سامان‌دهی و هدایت توسعه هوش مصنوعی در ایران، نخستین‌بار در ابتدای دولت سیزدهم مطرح شد. هدف، بلندپروازانه و در عین حال راهبردی بود: قرار گرفتن ایران در میان ۱۰ کشور برتر جهان در حوزه هوش مصنوعی. سازمان ملی هوش مصنوعی در تیرماه ۱۴۰۳ به صورت رسمی زیر نظر نهاد ریاست‌جمهوری افتتاح شد. مأموریت آن سیاست‌گذاری کلان، توسعه زیرساخت‌ها و هماهنگی بین‌نهادی در حوزه هوش مصنوعی بود. اما این سازمان از همان ابتدا با بحران‌هایی چندلایه روبه‌رو شد: نبود بودجه مشخص، ابهام در وظایف و مهم‌تر از همه، مقاومت و چندصدایی بین نهادهای تصمیم‌گیر مثل معاونت علمی، وزارت ارتباطات و برخی شوراهای عالی. علیرضا قشقاولی، معاون وقت سازمان، صریحاً گفت که سازمان حتی نتوانسته بود، بودجه پایهای دریافت کند و بسیاری از نخبگان یا رفتند یا سرخورده شدند. به‌تدریج سازمان به‌جای نهاد سیاست‌گذار به نهادهی با حیات نباتی تبدیل شد. چند ماه بعد، سخنگوی دولت به صراحت گفت که تثبیت سازمان جدید زمانبر است، دولت را سنگین می‌کند و باعث ایجاد بروکراسی می‌شود. در نتیجه، دولت تصمیم گرفت، وظایف این نهاد را به «ستاد توسعه فناوری و کاربرد هوش مصنوعی» که زیر نظر معاونت علمی و ذیل معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل شده بود، واگذار کند. این ستاد در ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ مصوب و ابلاغ شد و در چارچوب برنامه هفتم توسعه، متولی پیگیری امور هوش مصنوعی کشور معرفی شد.

مصوبه مجلس برای احیای سازمان ملی هوش مصنوعی

اما دیروز مجلس شورای اسلامی طرحی را به تصویب رساند که بر اساس آن «سازمان ملی هوش مصنوعی» مجدداً و این بار به‌عنوان یک نهاد مستقل تشکیل خواهد شد. دبیرخانه آن ذیل رئیس‌جمهور تعریف شده و رئیس سازمان با حکم مستقیم رئیس‌جمهور منصوب خواهد شد. بر اساس مصوبه، سازمان موظف است، ظرف سه ماه اساسنامه خود را با مشارکت دستگاه‌های مختلف تدوین و برای تصویب به هیأت وزیران ارائه کند. در ماده ۴ این طرح، وظایف متعددی برای سازمان در

زیست‌محیطی و قیود سخت‌گیرانه حاکمیتی است. از این منظر، هر مصوبه اجرایی که دایره مداخله را گسترش دهد، بدون پشتوانه روشن حقوقی و سازوکار نظارتی کارآمد، محل ایراد است.

متخصصان یادآور می‌شوند، رودخانه‌ها سامانه‌هایی پویا و تغییر‌پذیرند؛ ساخت‌وساز در حریم آنها مسیر طبیعی جریان را مختل کرده و ریسک سیلاب‌های مخرب را بالا می‌برد. ارجاع به رخدادهای تلخ گذشته از قم ۱۳۸۸ تا شیراز ۱۳۹۸ نشان می‌دهد دخل‌وتصرف در مسیرل‌ها و حریم سیلابی، ضریب خسارات را به‌طرز معناداری افزایش داده است. گزارش‌های کارشناسی ملی نیز مکرراً «ساخت‌وساز در اطراف آبراهه‌ها» را از عوامل تشدیدکننده تلفات و خسارات معرفی کرده‌اند.

پاسخ دولت و پرسش‌های باقی‌مانده

حامیان مصوبه، آن را مبتنی بر احکام توسعه‌ای و محدود به «تأسیسات سبک» با الزام اخذ تأییدیه محیط‌زیست می‌دانند. منتقدان اما دو ابهام اصلی را برجسته می‌کنند: نخست، فقدان ضمانت اجرای کافی برای «سبک» ماندن سازه‌ها و پیشگیری از تبدیل تدریجی آنها به بناهای دائمی؛ دوم، ضعف مزمن در نظارت میدانی که می‌تواند هر قید کاغذی را بی‌اثر کند. بیم آن می‌رود این چارچوب، فرآیندی که پیش‌تر غیرقانونی تلقی می‌شد را به تدریج مشروعیت ببخشد.

این اولین بار نیست که توسعه شتاب‌زده بر ملاحظات محیط‌زیستی می‌جرید؛ تجربه تلاش‌های گذشته برای تغییر ماهیت



حقوقی بستر رودخانه‌ها و واگذاری اختیارات بیشتر با مقاومت حقوق‌دانان و نهادهای ناظر روبه‌رو شد. اکنون نیز طرح جدید در صورت اجرا، خطر «خصوصی‌سازی منافع عمومی» در سواحل و حریم رودخانه‌ها را تقویت و به‌واسطه تقاطع منافع محلی، اقتصادی و سیاسی، نظارت را دشوارتر می‌کند.

محمد درویش، فعال محیط‌زیست در واکنش به این پرسش که وزیر میراث فرهنگی و گردشگری، مصوبه اخیر را تجاوز به حریم رودخانه نمی‌داند به «سازندگی» می‌گوید: با تاسف بسیار اگر وزیر محترم چنین اظهاراتی را مطرح کرده باشد، ایشان باید به فاجعهٔ سال ۱۳۹۸ بازگردد و به یاد آورد چه بلایی بر سر شهرها آمد؛ به‌ویژه در گنبد که رعایت نکردن حریم سیلابی رودخانه‌ها باعث جان باختن هموطنان و از دست‌رفتن اموال هزاران خانواده شد. آیا ایشان می‌تواند مسئولیت این واقعیت را بپذیرد که سرمایه‌گذاری و ساخت‌وساز در بستر و حریم سیلابی رودخانه‌ها ممکن است به‌خطر افتادن جان گردشگران، مشتریان رستوران‌ها و مالکان اقامتگاه‌ها منجر شود و در آن صورت چه کسی پاسخگو خواهد بود؟ واضح است که رعایت اصول علمی و ضوابط محیط‌زیستی در همهٔ کشورها الزامی است و نباید آنها را نادیده گرفت.

«زیرساخت، داده و سرمایه انسانی» را همزمان پیش ببرد، نمی‌توان وارد رقابت جهانی شد. همچنین تجربه‌های جهانی هم به نفع این استدلال هستند. ایالات متحده، چین، هند و حتی عربستان سعودی، بودجه‌های میلیارد دلاری برای نهادهای توسعه هوش مصنوعی اختصاص داده‌اند. آیا در چنین فضای ایران باید با یک ستاد سبک و بدون اختیار کافی وارد میدان رقابت شود؟ منتقدان بر این باورند که اگر مشکلات سازمان در هماهنگی و منابع بود باید آن را اصلاح و تقویت کرد نه آنکه به‌کلی حذف شود. حال که مجلس مصوبه تشکیل دوباره آن را تصویب کرده و وظایف آن را روشن‌تر و با پشتوانه قانونی تعیین کرده، امید دارند که مشکلات قبلی تکرار نشود.

مدل ستاد یا سازمان؟ دعوا بر سر ساختار یا عملکرد؟

از دید حامیان مدل ستادی، ساختار مهم نیست، عملکرد مهم است. اگر ستاد بتواند با چابکی، منابع و هماهنگی لازم را فراهم کند، چه نیازی به ایجاد یک نهاد عریض و طویل است؟ آنها تأکید می‌کنند که بسیاری از طرح‌ها در دولت با سرعت بیشتر از دل ستادها پیش رفته‌اند تا سازمان‌هایی که درگیر آیین‌نامه، اساسنامه و ساختار اداری شده‌اند. در واقع، نزاع میان دو مدل حکمرانی است: «ستاد هماهنگ‌کننده» یا «سازمان مستقل با اختیارات اجرایی». اولی سبک، سریع و کم‌هزینه است اما دومی پشتوانه قانونی، اختیارات گسترده و امکان توسعه منابع دارد.

چابک‌سازی یا تضعیف نهاده‌ها؟

جالب است که تقریباً همزمان با انحلال سازمان ملی هوش مصنوعی، شورای عالی اداری، مصوبه‌ای را گذراند که سازمان امور عشایر نیز منحل و در وزارت جهاد کشاورزی ادغام شود. دولت اعلام کرد، هدف این است که از گسترش بی‌رویه ساختارهای موازی جلوگیری شود. اما فعالان اجتماعی و نمایندگان مجلس هشدار دادند که با این تصمیم، صدای یک جامعه زحمتکش و تولیدکننده به حاشیه رانده می‌شود. در هر دو مورد، دولت بر کوچک‌سازی و چابک‌سازی تأکید دارد اما منتقدان نگرانند که این روند منجر به تضعیف نهادهای تخصصی و در نهایت افت عملکرد در حوزه‌های حساس شود. مصوبه مجلس برای تشکیل سازمان ملی هوش مصنوعی اکنون باید به تأیید شورای نگهبان برسد. از سوی دیگر، دولت نیز وعده داده در این مسیر نظرات حقوقی و کارشناسی خود را ارائه خواهد کرد. شاید نهایتاً به راه‌حلی میانه برسند که هم ساختار چابک باشد، هم اختیار اجرایی کافی داشته باشد. اما آنچه مسلم است، ایران برای حضور در آینده دیجیتال نیاز به حکمرانی هوشمندانه، ساختارمند و قدرتمند در حوزه هوش مصنوعی دارد؛ چه با عنوان «سازمان» و چه با نام «ستاد».

آنچه اهمیت دارد، اراده، هماهنگی و حمایت واقعی است. این میدان‌دیگر جای تعلل نیست.

او ادامه می‌دهد: این مصوبه که در نوروز– در جلسات هیأت دولت در فروردین– تصویب شده و بلافاصله پس از جنگ ۱۲ روزه ابلاغ گردیده، در زمانی که جامعه مشغول مسائل مهم‌تری بوده است، موجب شگفتی است؛ سازمان محیط‌زیست نیز از این تصمیم غافلگیر شده است. آیا سازمان محیط‌زیست و نمایندگان‌ش در جلسهٔ فروردین ماه امسال حضور نداشته‌اند که چنین تصمیمی اتخاذ شده است؟ این‌گونه اقدامات نیازمند بررسی دقیق وضعیت رودخانه‌ها و رعایت کلیهٔ ملاحظات محیط‌زیستی است.

درویش تأکید می‌کند: همین الان اگر به مناطقی مانند طالقان سفر کرده باشید شاهد تجاوزهای گسترده به بستر رودخانه‌ها خواهید بود؛ به‌گونه‌ای که حتی برای نشستن کنار رودخانه مردم ملزم به پرداخت هزینه شده‌اند. من واقعاً نمی‌فهمم چگونه ممکن است وزیر نیرو که خود متعهد به توان تصمیم‌گیری برای تخریب و بازگرداندن حریم‌هاست در چنین موضوعی سکوت کند؛ این رفتار به‌نوعی رویکرد دوگانه به‌نظر می‌رسد. قوهٔ قضائیه هم در نقاط مختلف با تأکید بر تخریب ساخت‌وسازهای غیرمجاز ورود کرده است؛ آیا این تناقض‌ها را نمی‌بینیم؟

او با بیان اینکه رونق گردشگری باید همراه با رعایت کامل ضوابط محیط‌زیستی و حفظ حریم رودخانه‌ها باشد نه به‌قیمت به خطر افتادن جان و مال مردم یا نادیده انگاشستن اصول علمی. کشوری با وسعتی بیش از ۱۶۵ میلیون هکتار بدون تردید نیازی ندارد که تنها در حریم بستر سیلابی رودخانه‌ها یا تالاب‌ها به ساخت‌وساز و توسعه بپردازد؛ چنین نگاهی بیشتر به یک لطفهٔ شباهت دارد تا برنامه‌ریزی توسعه. اینکه بخواهیم به بهانهٔ گردشگری، حریم طبیعی و زیستی کشور را مورد تجاوز قرار دهیم در واقع تاراج طبیعت ایران است نه توسعه گردشگری.

هر طرح توسعه‌ای در حوزه گردشگری باید پیش از اجرا از مرحلهٔ «ارزیابی اثرات زیست‌محیطی» عبور کند. منطقی‌ترین و علمی‌ترین رویکرد آن است که احداث تأسیسات گردشگری در بستر سیلابی رودخانه‌ها یا در حریم سواحل انجام نشود چراکه این اقدام نهمتها برای محیط زیست بلکه برای خود سرمایه‌گذاران و گردشگران نیز خطرناک خواهد بود.

حادثه

مرگ ناگهانی درزنگ تفریح

از ایلام تا شیراز؛ پاییز سیاه مدرسه‌ها

فوت ناگهانی یک دانش‌آموز ۹ ساله در یکی از مدارس دولتی شهر ایلام، شوک بزرگی به افکار عمومی وارد کرد.

این حادثه در چهارم آبان، هنگام زنگ تفریح در مدرسه‌ای واقع در محله «بانپور» رخ داد؛ زمانی که کودک ناگهان بیهوش شد و بر زمین افتاد. با وجود حضور سریع اورژانس و احیای موقت، قلب او پس از ۲۰ دقیقه دوباره از حرکت ایستاد. مدیر آموزش‌وپرورش ایلام اعلام کرده که حادثه کاملاً ناگهانی بوده و علت دقیق مرگ هنوز در دست بررسی پزشکی قانونی است.

اما این اتفاق تنها یکی از چند تراژدی دردناک مهر و آبان امسال بود؛ پاییزی که با مرگ سه دانش‌آموز دیگر آغاز شد. نهم مهرماه در زنجان، «نیما نجفی» ۱۴ ساله پس از دویدن دور حیاط مدرسه، دچار ایست قلبی شد. خانواده‌اش گفتند، مدیر مدرسه او را تشویه کرده اما آموزش‌وپرورش احتمال بیماری قلبی را مطرح کرد. نتیجه قطعی هنوز اعلام نشده است.

چند روز بعد، در خراسان نیز دانش‌آموزی در کلاس درس، بی‌هیچ علتی بیهوش شد و جان خود را از دست داد؛ حادثه‌ای که با وجود تکذیب تشبیه از سوی مسئولان با تردید افکار عمومی روبه‌رو شد.

اما دردناک‌ترین پرونده به شیراز برمی‌گردد؛ جایی که «سام زارعی» ۱۲ ساله، پس از تحقیر کلامی و تهدید از سوی معاون مدرسه در خانه دست به خودکشی زد. خانواده سام می‌گویند، دوربین‌های مدرسه اضطراب و التماس او را پیش از رفتن‌ش ثبت کرده‌اند. اکنون مدیر، ناظم و معلم مدرسه در پرونده‌ای قضایی تحت پیگرد هستند.

بر اساس داده‌های رسمی، از ابتدای مهرماه سال تاکنون، دست‌کم ۴ مورد فوت دانش‌آموز در مدارس کشور گزارش شده است؛ دو مورد بر اثر ایست قلبی، یک مورد خودکشی پس از تشبیه کلامی و یک مورد بیهوشی ناگهانی در ایلام که علت آن هنوز در دست بررسی است. وزارت آموزش‌وپرورش در همه این پرونده‌ها، وعده پیگیری داده و نتایج نهایی برخی از آنها همچنان در انتظار نظر پزشکی قانونی و مراجع قضایی است.

